

روشد مالیه فرا



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان و دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir | دوره بیست و یکم، آذر ۱۴۰۳ | شماره پیاپی ۱۵۹ | ۴۸ صفحه

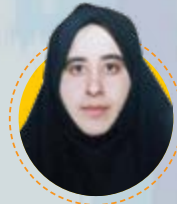
مدرسه و مسئله‌ای به نام سوگ



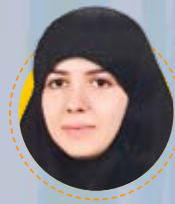
سیدمحمدنوروزیان امیری
سوگواری و غم از دست دادن



محمدرضا جعفرزاده نجار
بررسی حقوقی
مرگ دانش آموزان



معصومه عبدالرحمن
همین قدر ساده و شیرین!



لیلافرقانی
فرایندی برای
اطلاع‌رسانی وقوع مرگ

آنچه در شماره بعد مطالعه خواهید کرد



در شماره بعد، شمارا به سفری هیجان انگیز و ژرف به دنیای «بازی‌وارسازی» دعوت می‌کنیم: بازی‌وارسازی یک رویکرد به نسبت نوین در دنیای یادگیری و تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. این روش بر مشارکت، انگیزه و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان می‌افزاید. سؤالی که در این شماره سعی شده به آن پاسخ داده شود، این است: بازی‌وارسازی چگونه به این اهداف دست پیدا می‌کند!

مجله رشد

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir
دوره بیست و یکم، آذر ۱۴۰۳
شماره پدیدگی ۱۵۹
۴۸ صفحه



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

خاتونه

مجلات رشد همه
تلاش خود را کرده است تا
این مجله در دسترس عموم
جامعه تربیتی کشور قرار گیرد
و همه مخاطبان در میهن عزیز
اسلامی مان امکان تهیه آن را
داشته باشند.

۱۸۰,۰۰۰ ریال

۲ ماجرای سوگ در مدرسه / دکتر فریدالدین حداد عادل

۴ اطلاع رسانی وقوع مرگ / لیلا فرقانی

۷ فعلاً معلم ندارید / مریم مهربان

۱۰ بیا بید کمی سوگواری کنیم! / دکتر لیلا سلیقه دار / نرگس نعمت زاده قهرودی

۱۲ دل بستگی امن به خداوند / سمیه علیجانی

۱۵ سلام بر فرشتگان / وحید گلستان

۱۶ پشتیبانی مدرسه در مواجهه با سوگ / محمدعلی صنیعی

۱۸ پدیده سوگ و ازدست دادن عزیزان در مدرسه / مترجم: زهرا زارعی

۲۱ همین قدر ساده و شیرین! / معصومه عبدالرحمن

۲۴ تقاضای تغییر نام / مهدی فرج الهی

۲۶ سوگ والدین متأثر از کووید ۱۹ / دکتر نیره شاه محمدی

۲۸ خبر دردناک / زهرا اسدی

۳۰ شهدای شیراز / مرتضی شمس آبادی

۳۲ وقتی فاجعه رخ می دهد، وظیفه مدرسه چیست؟ / مترجم: آیدا جعفری

۳۶ سوگ را به عقب بران! / نویسندگان: الهه دایر گراو، کری دایر گراو، مارتینا لایچیا / ترجمه و تلخیص آذر لاریجانی

۴۰ فلسفه و روزی در دنیای سوگ / فاطمه اسدی امیری

۴۲ طالبان عافیت / هانیه ملکی

۴۴ بررسی حقوقی مرگ دانش آموزان / محمدرضا جعفرزاده نجار

۴۶ سوگواری و غم ازدست دادن / سیدمحمد نوروزیان امیری

مدیر مسئول: محمد صالح مذبني

سرمدبير: فریدالدین حداد عادل

مشاور سردبير: لیلا فرقانی

مدیر داخلی: بهناز پورمحمد

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ داخلی ۵۰۴

تلفن های امور مشترکین:

۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸

صندوق پستی امور مشترکین:

۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

وبگاه:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



برای اشتراک
مجلات رشد رهنه
را پویش کنید



وبگاه نشر سنجی مجلات رشد
nazar.roshdmag.ir



رشد مدرسه فردا را دریابم رسان شاد
به نشانی زیر دنبال کنید
@roshd_madreseh_farda

مطالب
این نشریه به معنی
تجويز محتوای آن ها
نیست و صرفاً انعکاس
دیدگاه های پدیدآورندگان
می باشد.

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربه های شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله ها حاوی مطالب کلی و گردآوری نباشند.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود.
- در نگارش مقاله از منابع و مأخذ معتبر استفاده شود و در پایان آن، فهرست منابع بیاید.



ماجرای سوگ در مدرسه



فریدالدین حداد عادل

سید میثم موسوی

تصویرگر

وارد جزئیات بشویم. در گفت‌وگوهای اولیه به این سؤال برخوردیم که وظیفه مدرسه در قبال انواع اتفاق مرگ برای خانواده مدرسه چیست؟

برای نزدیک شدن ذهن‌ها توضیح می‌دهم: اگر یکی از معلمان یا دانش‌آموزان در مدرسه فوت کرد، اولین اقدام چه باید باشد و تلاش‌های بعدی ما چه خواهند بود؟ اگر یک دانش‌آموز پدرش را از دست داد، در لحظات اولیه چگونه باید به او خبر داد و چگونه باید با او تعامل کرد؟ سؤال‌های متعدد زیادی از این دست وجود دارند که توجه به آن‌ها در این موضوع ضروری است؟

❖❖ خیلی زود متوجه شدیم، پدیده انواع خودکشی را باید از دایره مسائل خود حذف کنیم. دوستانمان در حوزه مشاوره و روان‌شناسی در پرداخت به این مسئله در اولویت هستند. اما متوجه شدیم این موضوع مهم چه ابعاد پیچیده، غامض و صدام‌آلوده دانستنی‌ای دارد!

❖❖❖ ابعاد حقوقی و اداری مرگ اعضای خانواده مدرسه هم مسئله‌ای بود که در این پرونده کمتر بدان اشاره شده است. تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از مدیران و مسئولان درگیر حادثه مرگ وجود دارند که در پیچ‌وخم مراغه‌های حقوقی، با استناد به بندها و قوانین متعدد، با انواع مؤاخذه‌ها و تنبیه‌های اداری و کیفی مواجه هستند.

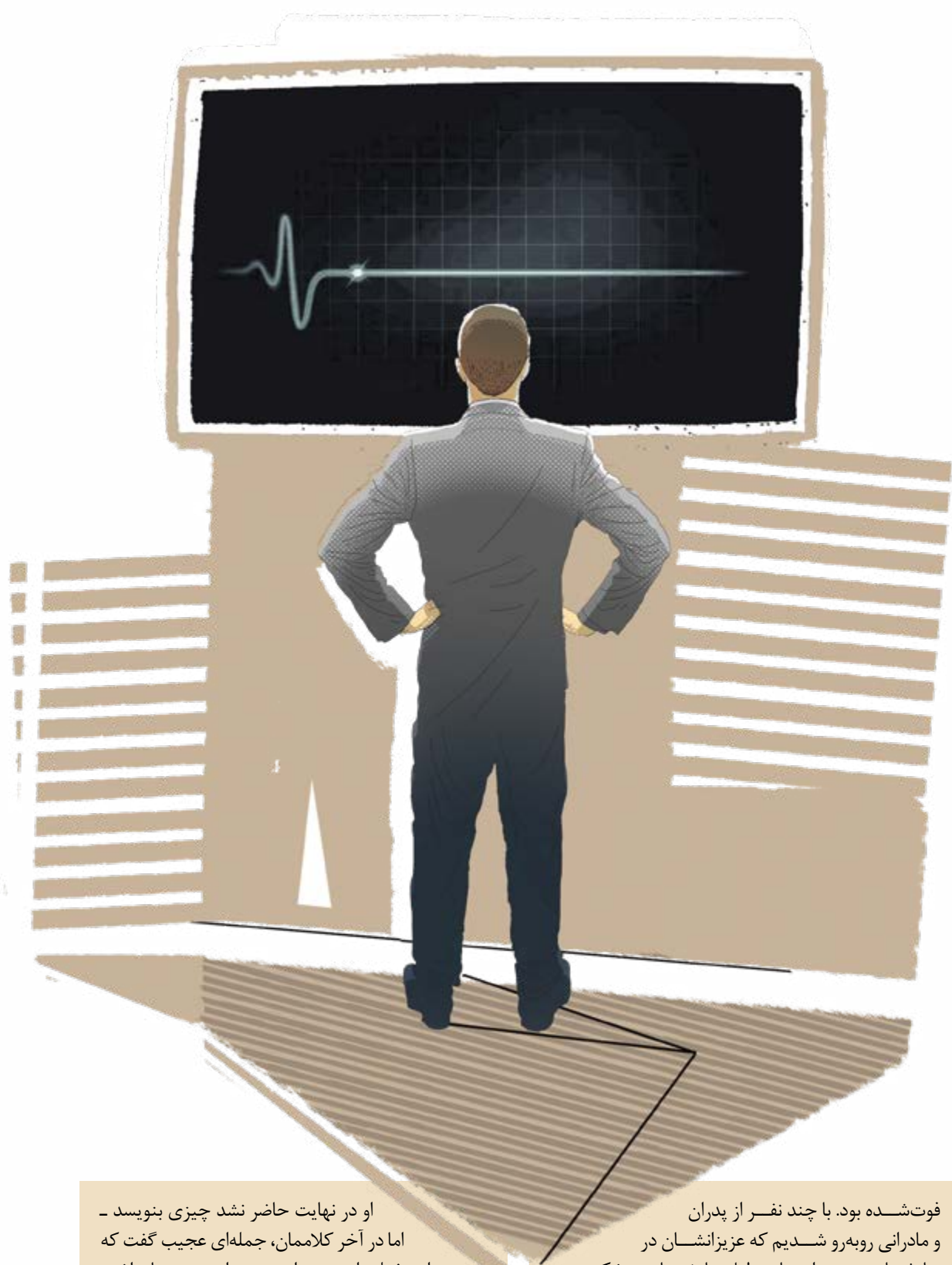
❖❖❖❖ آخرین مسئله‌ای که لازم است به خواننده محترم تقدیم شود، مشاهده حال والدین دانش‌آموزان

❖ امیرالمؤمنین بیانات زیادی درباره مرگ دارند. به دفعات و کرات از این واقعیت گریزناپذیر صحبت و اشاره و تأکید می‌کنند که آدم‌ها خیلی زیاد و به‌طور آشکار و انکارناپذیر از این واقعیت مسلم زندگی فرار می‌کنند. بر پایه این مطلب، در این شماره از مجله رشد مدرسه فردا از منظر متفاوت به مقوله مرگ پرداخته‌ایم. از آنجا که پرداختن به جنبه‌های دینی و اعتقادی مرگ وظیفه مستقیم ما نیست، از کنار این مسئله عبور کردیم و تمرکزمان را بر عرصه پیامدهای عاطفی و رفتاری مسئله مرگ قرار دادیم. آن بخشی مورد توجه این پرونده است که وقتی این اتفاق مهم در فاصله نزدیک مدرسه، از حیث زمانی، مکانی و فردی، رخ می‌دهد، محتاجیم بدانیم چه باید بکنیم. این پرونده به دنبال یافتن پاسخ این گونه سؤالات است:

۱. وقتی یکی از عزیزان مدرسه در داخل مدرسه یا بیرون از آن فوت می‌کند، مهم‌ترین اقدام لازم برای مواجهه با این پدیده چیست؟ منظور از عزیزان، مدیر، کارکنان و معلمان، دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان هستند.

۲. مرگ چیست؟ (البته این سؤال تخصصی است و در حوزه روان‌شناسی باید بررسی شود). اقتضائات سوگواری در مدرسه چیست؟ در سنین متفاوت و در مواجهه با انواع مرگ، شیوه رفتاری خانواده مدرسه چگونه باید باشد؟

دوست داشتیم به برخی سؤال‌های مهم این بخش به طور دقیق‌تر بپردازیم، اما مجال زمان و حجم پرونده اجازه نداد



فوت شده بود. با چند نفر از پدران و مادرانی رویه‌رو شدیم که عزیزانشان در حادثه‌های مدرسه‌ای یا به دلیل عارضه‌های پزشکی فوت شده بودند. چه داغ سنگینی در بیانات این بزرگواران احساس می‌شد!

والدینی که فرزندشان در مدرسه یا در دوران مدرسه فوت کرده بودند، از روزهای درس و کلاس با حسرت زیاد یاد می‌کردند و صحبت از مدرسه برایشان بسیار سخت و تألم‌برانگیز بود. با پدری که فرزندش فوت شده بود صحبت کردم تا شاید برایمان یادداشتی بنویسد - البته

او در نهایت حاضر نشد چیزی بنویسد - اما در آخر کلامان، جمله‌ای عجیب گفت که برایم خیلی اهمیت دارد و چندان هم به یادداشت سردبیری ربط ندارد، ولی آن را به همکاران محترم تقدیم می‌کنم. او گفت: «آقای حداد، دعا کن بعد از پدرت فوت کنی و قبل از فرزندت بمیری. داغ فرزند کمرشکن است!» ◀◀◀◀ پرونده مرگ با کم‌وکاستی‌هایی تقدیم شما می‌شود. از هم‌اکنون معترفیم که به دلیل مضیقه‌های متعدد نتوانستیم به‌طور مفصل و لازم به همه ابعاد این مسئله بپردازیم.



اطلاع‌رسانی وقوع مرگ

دستورالعمل‌های پیشنهادی برای مدرسه در مواجهه با سوگ

لیلا فرقانی



معلم و معاون آموزشی دبیرستان

در این نوشته دستورالعمل‌هایی برای کمک به مدیران مدرسه، معلمان و کارکنان دفتری مدرسه پیشنهاد می‌شوند تا پس از وقوع مرگ دانش‌آموز یا معلم، به نیازهای دانش‌آموزان و معلمان پاسخ دهند:

۱. اطلاع‌رسانی

اطلاعات در مورد مرگ یکی از اعضای جامعه مدرسه احتمالاً به سرعت بین دانش‌آموزان و کارکنان پخش می‌شود. این موضوع احتمال شایعات و اطلاعات نادرست را افزایش می‌دهد. برای جلوگیری از چنین اتفاقاتی، رعایت این موارد توصیه می‌شود:

- در گام اول، تأیید اطلاعات (به عنوان مثال، از اعضای خانواده) بسیار مهم است.

- مشخص کنید خانواده مایل است چه اطلاعاتی را فاش کند (یا چه اطلاعاتی قبلاً به طور عمومی از یک منبع معتبر منتشر شده است). پس از تأیید مرگ، کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان را مطلع کنید.

- اگر اعلان اولیه خارج از ساعت مدرسه اتفاق بیفتد، ممکن است به اطلاع تلفنی به کارکنان مدرسه و دعوت از آن‌ها برای ملاقات قبل از مدرسه، به منظور سازمان‌دهی یک برنامه واحد نیاز باشد. اگر اطلاع‌رسانی در ساعت مدرسه انجام شود، ممکن است به توزیع یادداشتی کتبی یا جلسه شورای مدرسه نیاز باشد.

- ابتدا معلمان و سایر کارکنان را مطلع کنید. قبل از شروع مدرسه با معلمان مدرسه و سایر کارکنان ملاقات کنید تا در مورد آنچه در مورد مرگ اطلاع دارید، صحبت کنید. این کار به معلمان فرصت می‌دهد هر سؤالی که می‌خواهند

بپرسند و قبل از اینکه دانش‌آموزان خود را در کلاس ببینند، خود را آماده کنند. اگر معلمی احساس می‌کند نمی‌تواند با دانش‌آموزانش درباره مرگ صحبت کند، یکی از اعضای تیم کارکنان باید برای ورود یا کمک به اطلاع‌رسانی در دسترس باشد.

- به دانش‌آموزان چهره به چهره اطلاع دهید. اگر معلمی فوت کرده است، در نظر داشته باشید که معلمی از همان کلاس یا کلاس پایین‌تر که با دانش‌آموزان معلم متوفی آشنا باشد، یا معلمی از کارکنان مدرسه که با دانش‌آموزان صمیمی‌تر است، به آن کلاس اطلاع دهد. در نظر بگیرید که این معلم در چند روز آینده در کلاس بماند و یک پوشش جایگزین برای کلاس داشته باشد.

- یک یادداشت برای دانش‌آموزان تهیه کنید. معلمان با یادداشتی آماده می‌توانند اطلاعات یکسانی را به طور هم‌زمان به همه دانش‌آموزان بدهند. این کار باید در گروه‌های کوچک یا کلاس به کلاس انجام شود. تمام تلاش باید به کار گرفته شود تا اطمینان حاصل شود همه دانش‌آموزان در زمان به اشتراک‌گذاری این اطلاعات حضور دارند. اطلاعاتی در مورد در دسترس بودن سلامت روان و خدمات حمایتی و نحوه دسترسی دانش‌آموزان به این خدمات درج کنید. از پیام‌رسان‌های عمومی یا مجامع بزرگ برای اعلام این گونه خبرها استفاده نکنید.

- برای والدین یک یادداشت تهیه کنید. پیش‌نویس یادداشتی را برای والدین تهیه کنید تا درباره اینکه مدرسه چه خدماتی به دانش‌آموزان و خانواده‌ها ارائه می‌دهد، مطلع شوند.

یک یادداشت برای دانش‌آموزان تهیه کنید. معلمان با یادداشتی آماده می‌توانند اطلاعات یکسانی را به طور هم‌زمان به همه دانش‌آموزان بدهند



- مدرسه باید از اطلاع‌رسانی در خارج از زمان مدرسه خودداری کند.

- اطمینان حاصل کنید دانش‌آموزان و کارکنانی که در روز اطلاع‌رسانی غایب هستند نیز در اسرع وقت مطلع شوند. در حالت مطلوب (ایده‌آل)، فردی از مدرسه در اولین حضور فرد غایب به‌صورت حضوری به او اطلاع بدهد. مدرسه‌ها همچنین ممکن است با والدین و سرپرستان دانش‌آموزان غایب تماس بگیرند و پیشنهادهایی در مورد نحوه صحبت با فرزندانشان ارسال کنند.

- مدرسه‌ها همچنین باید فرایندی را برای اطلاع‌رسانی در صورت وقوع مرگ در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات تابستان برنامه‌ریزی کنند. در طول دوره تعطیلات طولانی‌تر، ممکن است مدرسه تصمیم بگیرد برای دوره‌های زمانی خاص باز شود تا مکانی تحت نظارت ارائه دهد که دانش‌آموزان بتوانند گرد هم آیند و از پشتیبانی برخوردار شوند.

- معلمان ممکن است ابتدا از طریق دانش‌آموزان از مرگ آگاه شوند و به پاسخ حمایتی بدون آمادگی قبلی نیاز داشته باشند.

۲. مشاوره بحران و غم و اندوه و سایر خدمات حمایتی در مدرسه

- دانش‌آموزان ممکن است احساسات و عواطف گوناگونی نشان دهند. اجازه‌دادن به این ابراز در محیطی امن و بدون قضاوت هدف است.

- به دانش‌آموزان کمک کنید با احساسات دشوار کنار بیایند. ممکن است احساس پشیمانی نیز داشته باشند؛ به‌ویژه اگر فکر کنند با فرد در گذشته بد رفتاری کرده‌اند. نوجوانان ممکن است بیشتر در معرض احساس افسردگی یا اضطراب و احساس گناه باشند. اگر مرگ خودکشی باشد، این احساسات ممکن است تشدید شوند.

- به دانش‌آموزان کوچک‌تر کمک کنید. دانش‌آموزان کوچک‌تر ممکن است در درک مرگ مشکل بیشتری داشته باشند. احتمال بیشتری دارد که در پاسخ به توضیحات، تفسیرهای نادرست تحت‌اللفظی داشته باشند. (برای مثال، اگر گفته شود متوفی در خواب ابدی است، ممکن است هنگام خواب دچار ترس شوند.)

- برای ترک کلاس (مثلاً آیا مجوز لازم است؟ آیا دانش‌آموزی که بسیار مضطرب است باید تا اتاق مشاوره همراهی شود؟) و بازگشت به کلاس، رویه‌هایی را تعیین کنید. اگر دانش‌آموزی در زنگ کلاس در اتاق مشاوره می‌ماند، مطمئن شوید به معلم کلاس اطلاع‌رسانی شده است. چنین اقداماتی تضمین می‌کند مدرسه در مورد محل حضور دانش‌آموزان اطلاعات دقیقی دارد.

- خدمات گسترده‌تری در سطح مدرسه موردنیاز خواهد بود. در نظر داشته باشید، خدمات پشتیبانی و مشاوره برای دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه، قبل و بعد از ساعت مدرسه در دسترس باشند.

- اگر مرگ با بحرانی همراه باشد که جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، برخی خدمات حمایتی را برای والدین در مدرسه در نظر بگیرید.

- پیشگیرانه رفتار کنید؛ به‌خصوص پس از مرگ‌های آسیب‌زا (مثلاً خودکشی یا قتل). دانش‌آموزان را تشویق کنید دوستانی را که ممکن است نگران آن‌ها باشند، شناسایی کنند. این‌ها شامل دانش‌آموزانی می‌شود که افکار خودکشی دارند یا اظهارات تهدیدآمیزی کرده‌اند.

- برای دانش‌آموزانی که ممکن است از نظر عاطفی در معرض خطر بیشتری باشند، رهنمودهایی داشته باشید؛ مثل دانش‌آموزانی که از دوستان نزدیک مرحوم بودند؛ دانش‌آموزانی که با متوفی کلاس مشترکی داشتند؛ دانش‌آموزانی که با متوفی فعالیت‌های فوق برنامه مشترکی داشتند؛ دانش‌آموزانی که با متوفی ویژگی مشابهی داشتند.



برای اعلام
خبرهای مرگ به
پیامرسان‌های
عمومی یا جمع‌ها
و گروه‌های بزرگ
نروید

این وضعیت به شرایط مرگ بستگی دارد:

- در مورد بیماری مزمن، سایر دانش‌آموزان مبتلا به بیماری مزمن باید لحاظ شوند.
- در تصادف رانندگی، دانش‌آموزانی که اخیراً گواهی‌نامه رانندگی دریافت کرده‌اند، یا پیاده به مدرسه می‌روند.
- دانش‌آموزانی که رابطه‌ای مشکل‌دار یا تیره با متوفی داشتند و دانش‌آموزانی که سابقه فقدان قبلی یا هم‌زمان یا مشکلات عاطفی دارند.
- افرادی که معتقدند به نحوی مسئول هستند یا به نحوی در این رابطه مشارکت دارند؛ حتی به‌طور غیرمستقیم.
- همچنین، شناسایی معلمان و سایر کارکنانی که رابطه نزدیک‌تری با متوفی داشتند، مهم است. این اعضا ممکن است شامل معلم فعلی یا گذشته هم باشند. برای مثال، اگر دانش‌آموز کلاس پنجمی فوت کند، دانش‌آموزان کلاس دوم ممکن است رابطه شخصی کمی با کودک داشته باشند، اما معلم کلاس دومی که زمانی به آن دانش‌آموز آموزش می‌داد، ممکن است بیشتر تحت تأثیر قرار گیرد.
- کارکنان مدرسه همیشه باید با حساسیت در مورد مرگ صحبت کنند و بدانند که در هر تجمعی در مدرسه ممکن است دانش‌آموزان یا کارکنانی باشند که بیشتر تحت تأثیر قرار گیرند؛ حتی اگر علائم پریشانی نشان ندهند.
- حمایت‌های پس از سوگ را پیش از موعد لغو نکنید.

۳. تشییع جنازه و یادبودها

– مراسم یادبود یا تشییع جنازه

دانش‌آموز یا معلم فوت‌شده: با خانواده متوفی صحبت کنید و خواسته‌های آن‌ها را مشخص کنید. اگر تعداد زیادی از دانش‌آموزان یا کارکنان به احتمال زیاد شرکت می‌کنند، بپرسید آیا ممکن است مراسم یادبود خارج از ساعت مدرسه باشد یا خیر. اگر خدمات در ساعت مدرسه است، سیاستی ایجاد کنید که به دانش‌آموزانی که با متوفی رابطه نزدیک دارند اجازه دهد در مراسم شرکت کنند. برای معلمان که به شرکت در خدمات مایل هستند، معلمان جایگزین در دسترس داشته باشید. در نظر بگیرید که اگر مراسم در ساعت خارج از مدرسه است که شرکت بیشتر دانش‌آموزان احتمال می‌رود، مشاور مدرسه نیز در مراسم شرکت کند.

– یادبودهای خودجوش: احتمالاً پس از مرگ دانش‌آموز یا معلم یادبودهایی غیررسمی به وجود می‌آیند. مدت‌زمان مشخصی را برای این یادبودها (مثلاً یک یا دو هفته) تعیین کنید و به دانش‌آموزان اطلاع دهید یادبود پس از آن زمان حذف خواهد شد. فراهم کردن این فرصت‌های یادبود برای

دانش‌آموزان و مشارکت دادن دانش‌آموزان در برگزاری آن‌ها، ممکن است در به حداقل رساندن این یادبودهای خودجوش مؤثر باشد.

– بیان سازنده غم و اندوه: دانش‌آموزان ممکن است بخواهند برای خانواده دانش‌آموز یا معلم متوفی نامه بنویسند یا نقاشی بکشند. این موارد را قبل از ارسال بررسی کنید. همچنین، نقاشی‌ها و نوشته‌ها را بدون دریافت اطلاعات کافی از متخصصان بهداشت روان تفسیر نکنید.

– رسیدگی به یادآوری‌های آسیب‌زا برای دانش‌آموزان: میزها و کمد‌های مدرسه ممکن است یادآور ناخواسته دانش‌آموزان متوفی باشند. رویه‌هایی را برای رسیدگی به این موارد، با استفاده از نظرات هم‌کلاسی‌ها، در نظر بگیرید.

– آثار شخصی متوفی: با والدین و اعضای خانواده برای بازگرداندن وسایل متوفی، ترجیحاً بعد از ساعت مدرسه، هماهنگ کنید. وسایل شخصی را در دفتر در دسترس داشته باشید تا والدین و خانواده‌ها با چالش عاطفی دیدن کمد یا میز فرزندشان مواجه نشوند. هنگامی که والدین برای بازبایی وسایل کودک می‌آیند، یکی از اعضای تیم بحران یا مشاور مدرسه حضور داشته باشد.

۴. موارد ویژه

خودکشی دانش‌آموز: خودکشی دانش‌آموز مسائل منحصر به فردی را برای کارکنان مدرسه ایجاد می‌کند. به خانواده در مورد اطلاعاتی که می‌خواهند درباره علت مرگ فاش نکنند، توضیح دهید، اما اگر قبلاً یک منبع موثق به‌صورت عمومی اطلاعات را به اشتراک گذاشته باشد، توجه داشته باشید، دانش‌آموزانی را که در معرض بیشترین خطر پریشانی سلامت روان هستند، شناسایی کنید. از همان ایده‌های ذکر شده استفاده کنید. به دانش‌آموزان، کارکنان و والدین در مورد علائم و نشانه‌های هشداردهنده خودکشی آموزش دهید. پوشش رسانه‌ای خودکشی را به حداقل برسانید.

منبع

1. The Grieving Student: A Guide for Schools by David Schonfeld and Marcia Quackenbush.
2. Names: Schonfeld, David J., 1959- author. | Quackenbush, Marcia, author. Title: The grieving student: a guide for schools / by David J. Schonfeld and Marcia Quackenbush.
3. Other titles: Grieving student.
4. Description: Second edition. | Baltimore: Paul H. Brookes Publishing Co., 2021. | Includes bibliographical references and index.

روایت فوت معلم

فعلاً معلم ندارید

مریم مهربان
معلم پایه دوازدهم



پرده اول

مداد از دستم رها شد و عرق کف دستانم تمام تنم را گرفت. خبر فوت خانم نظریه، آن معلم چشم‌رنگی خوش‌صدا و خوش‌اخلاق، غم سنگینی بر دلم آورد. کلاس اول و خبر فوت آموزگار و دردناک‌تر، جای خالی یکی از هم‌کلاسی‌هایم در فقدان مادر معلمش، همه را در بهت و اندوه فرو برده بود. آن روزها چشیدن طعم از دست دادن، حس جدید ناشناخته‌ای را در ما بیدار کرد. اولین معلم زندگی خود را از دست داده بودیم و تمام کلاس منظومه‌ای بودیم از غمی تلخ و گنگ که در آن سن و سال تحمل و درکش در فهم ما نبود. دنیای کلاسمان به آخر رسیده بود و مثل زلزله‌زده‌گان آواره و بدون حامی، چشم دلمان به حضور گرم کسی نبود. بیشترین حسی که آن روزها تجربه می‌کردیم، حس بی‌پناهی و بی‌سرپرستی بود. هر کس داخل کلاس می‌شد و از او می‌پرسیدیم: «یعنی چی می‌شه؟» بیشترشان می‌گفتند: «دنیا همین‌ه دیگه، بزرگ می‌شی یادت می‌ره.»

پارچه سیاه قدی روی دیوار کلاس و رویش یک اعلامیه فوت نصب شده بود. آن روزها سواد خواندن و نوشتن و حتی قدم، قد نمی‌داد بتوانم نام متوفی را بخوانم. آخر ما تا حرف «د» بیشتر نخوانده بودیم. هنوز سرمشق‌های ننوشته داخل کیفم و اضطراب ننوشتن تکالیف در عرق کف دستانم، گویای بی‌سوادی من بود. حال و هوای مدرسه شبیه هر روز نبود. انگار دلش مثل عصر جمعه مچاله گریه بود. به تک دویدم داخل کلاس تا تکالیف ناقص را تندتند انجام دهم. نزدیک رسیدن خانم نظریه بود که چارچوب کلاس با قامت مدیر مدرسه، در هیئت لباسی سراسر مشکی، پُر شد. شاید همان روز و همان دقیقه و همان ثانیه فهمیدم صریح و رک بودن همیشه هم خصیصه خوبی نیست! بی‌مقدمه و مؤخره از بافتن فلسفه زندگی و چرایی و چیستی مرگ و بیان اندک سخنی از چگونگی رحل اقامت افکندن به دیار باقی، صدایش را صاف کرد و گفت: «خانم نظریه فوت کردند. فعلاً معلم ندارید.»

صندلی ارباب رجوع

پرده دوم

روی صندلی ارباب رجوع در دفتر مدیر نشسته بودم. مستخدم مدرسه جلو آمد و گفت: «آقا بفرمایید شیرینی میل کنید.» پیراهن مشکی بر تن، با اکراه نگاهش کردم. معاون پرورشی مدرسه جلو آمد. یک شیرینی از داخل جعبه برداشت و دستم داد و گفت: «هفت سال دیگر درست روی همین صندلی نشسته‌ای؛ نه برای گرفتن مدارک، این بار برای تحویل مدارک نغمه‌ای دیگر. حالا می‌بینی.»

هفت سال پیش از این، روز اول مهر با هزار شوق و ذوق خودم لباس مدرسه را تنش کردم و با اولین بوق سرویس او را روانه مدرسه کردم، اما او هیچ وقت به مدرسه نرسید. بعد از نغمه، روز اول مهر، ترانه بوی ماه مدرسه، بوق همه تاکسی‌های زرد رنگ شهر، همه درخت‌های رنگ پریده پاییز و همه کارکنان مدرسه و دختر بچه‌هایی که سر خاک نغمه به نشانه دل‌داری و داغ‌داری آمده بودند و همه زن‌ها و دخترهایی که نامشان نغمه بود، می‌توانستند مرا تا بی‌نهایت به ورطه اندوه روانه کنند.

پس از گذشت هفت سال، هنوز نتوانسته بودم از کیف و کتاب و دفتر و آخرین عکس با لباس مدرسه نغمه دل بکنم. حالا پس از هفت سال، دوباره روی صندلی ارباب رجوع در دفتر مدیر نشسته بودم. مستخدم مدرسه جلو آمد و گفت: «آقا بفرمایید شیرینی میل کنید.» معاون پرورشی مدرسه جلو آمد، یک شیرینی از داخل جعبه برداشت و دستم داد و لبخند زد و گفت: «دیدی گفتم می‌بینی.»

حبیب‌یاغی

پرده سوم

گفتم خانه‌ات کجاست؟ آه سوزناکی کشید و در جوابم خواند:
کیبوتری که دگر آشیان نخواهد دید
قضا همی بردش تا به‌سوی دانه و دام

بدون خداحافظی راه خود را گرفت و رفت. از این ملاقات چند روزی نگذشت که خسرو در گوشه‌ای، زیر پلاسی مندرس، بی‌سروصدا جان سپرد و آن همه استعداد و قریحه را با خود به زیر خاک برد.

صدا از کلاس ادبیات بلند بود. اول‌بار بود حامل چنین خبری بودم. «حبیب یغمایی بیا بیرون!» رنگ و رخ بچه‌ها درجا پرید. یعنی دوباره چه خبط و خطایی کرده بود؟ نه چهارشنبه‌سوری بود که ترقه برای فروش آورده باشد، نه سی‌دی و نه با هیچ‌کسی دعوا کرده بود؛ پاک پاک بود؛ حداقل آن روز و آن ساعت. مادر حبیب چند ماهی بود که در کُما به سر می‌برد و همه کارکنان مدرسه این را می‌دانستیم. دیر یا زود حبیب یغمایی با این خبر روبه‌رو خواهد شد، ولی تصور نمی‌کردم کسی که باید با این خبر حبیب را به یغما بُرد، من باشم!

انکار شاید ساده‌ترین راه برای فرار از کوچ مادر باشد! گاهی آدمی می‌تواند یک‌عمر به‌سادگی با دروغ داشتن مادری با زندگی نباتی، کنار بیاید، اما با مرگ و خداحافظی همیشگی‌اش هیچ‌وقت! حبیب، آن یَل کلاس دهم، که کسی را یارایش نبود، حالا حریف اشک چشمانش نبود. بی‌تابی‌اش مدرسه را به هم ریخت. کار را تعطیل کردم و هر دو به بیمارستان رفتیم.

سخت بود؛ خیلی سخت. حبیب فقط توشه‌ای از روی ماهش می‌خواست و دیگر...

فردای آن روز با همه بچه‌ها یک دسته‌گل گرفتیم و به مراسم ختم مادر حبیب رفتیم. حبیب بچه لب خط تهران بود؛ حضور دلگرم‌کننده بچه‌ها و کارکنان مدرسه و آن دسته‌گل بین خانواده و آشنایانش، بعدها برای حبیب خیلی سروصدا کرده بود. حبیب، یاغی محل، که در هفت‌آسمان جز مادرش یک ستاره نداشت، حالا پشت به پشت دلگرم‌کننده کارکنان و بچه‌های مدرسه داشت.

چند روزی خبری از آمدنش نبود و حق هم داشت. در این مدت کلاسی با موضوع سوگ برای بچه‌ها گذاشتم و تبیین کردم او این روزها دقیقاً به چه احتیاج دارد. وقتی به مدرسه برگشت، همه بسیج احوال حبیب بودند. داخل و بیرون مدرسه همه‌جوره هوادارش بودند. برای آدم خلاقی مثل حبیب تنهایی آفت بود. شب‌ها خودم به خانه‌شان می‌رفتم و نمی‌گذاشتم زیاد تنها باشد. بیشتر روزها تا دیروقت مدرسه بودیم و درس‌هایی را که در آن‌ها ضعیف شده بود، جبران می‌کردیم.

ماه‌ها گذشت. صبح اول وقت وارد اتاقم شدم. بسته‌ای روی میز، ناشیانه بسته‌بندی شده بود. «از کیبوتری که از قضا آشیان دید، معلم والامقام مرا خبر سازید که شاگرد وفادار حقیرت، هر جا به زندگی می‌ماند، چاره درماندگی به شیوه معلم حامی خود می‌کند. آقا می‌شه پیرهن مشکی تون رو در بیارین؟»
کوچک شما حبیب



بیایید کمی سوگواری کنیم!

چگونگی مواجهه با اخبار سوگ و مرگ در مدرسه

دکتر لیلا سلیقه‌دار

مشاور و مدرس بین‌المللی خانواده

نرگس نعمت‌زاده قهرودی

دبیر و کارشناس آموزش و پرورش



متخصصان تأیید می‌کنند، ماتم در مرگ عزیزان باعث واکنش فشار روانی سستیز یا گریز و همچنین واکنش افسردگی می‌شود. هورمون‌های فشار روانی، عملکرد قشر پیش‌پیشانی (قسمت جلویی لوب پیشانی) را ضعیف می‌کنند؛ همان بخش از مغز که مسئولیت اصلی عملکردهای مرتبه بالاتر مانند کنترل تکانه، تنظیم هیجانی و برنامه‌ریزی برای آینده را بر عهده دارد. بنابراین، افراد در هر سنی، پس از مواجهه شدن با مرگ عزیزانشان، ممکن است در انجام فعالیت‌های اجرایی یا وظایف مربوط به حافظه در محل کار یا مدرسه به مشکل بر بخورند؛ به‌ویژه زمانی مانند دوران نوجوانی که قشر جلوی مغز آن‌ها هنوز در حال رشد است. ماتم و سوگواری نه‌تنها در واکنش به مرگ تجربه می‌شود، بلکه می‌تواند در نتیجه سایر شکل‌های ازدست‌دادن نیز رخ دهد: تغییر خانه یا مدرسه، رفتن خواهر یا برادر به دانشگاه، جدایی و اختلاف والدین یا ازدست‌دادن تماس با دوستان به دلیل بیماری از جمله این موارد هستند. به منظور حل این مشکل، در ادامه راهکارهایی کلی آمده‌اند.

اجازه دهید با شما صحبت کنند و به حرف‌های آن‌ها گوش دهید. احساسات آن‌ها مبنی بر ترس و غصه و ماتم را بپذیرید و قضاوت نکنید. احساسات خود را به شیوه‌ای باز، آرام و مناسب بیان کنید تا دانش‌آموزان را تشویق کند احساسات و غم خود را به اشتراک بگذارند. از فرضیه‌ها و تحمیل باورهای خود به دانش‌آموزان خودداری کنید و متوجه باشید که انواع احساسات طبیعی هستند.

فرصت‌هایی برای خودآگاهی و تأمل ایجاد کنید، اما آن‌ها را وادار نکنید درباره مرگ صحبت کنند. از دانش‌آموزان بخواهید فهرستی از فعالیت‌هایی تهیه کنند که باعث می‌شود احساس بهتری داشته باشند. یا بنویسند چه کسی یا چه چیزی باعث می‌شود احساس آرامش، حمایت یا آسایش کنند. بر شفابخشی طبیعت تکیه کنید و برخی فعالیت‌ها را در محیط طبیعت به اجرا درآورید.



احساسات خود را به شیوه‌ای باز، آرام و مناسب بیان کنید تا دانش‌آموزان را تشویق کند احساسات و غم خود را به اشتراک بگذارند



به منظور عرضه
الگوی سالم در
مسیر سوگواری،
فعالیت‌هایی مانند
ذهن‌آگاهی و
خاطره‌نویسی انجام
دهید

دانش‌آموزان زیر
هشت سال ممکن
است درگیر تفکر
جادویی شوند
و معتقد باشند
می‌توانستند مانع
مرگ شوند. این
احساس‌ها و ترس‌ها
را بشناسید، اما
تأیید نکنید

یادگیری مبتنی بر پروژه، به‌طور بالقوه به دانش‌آموزان کمک می‌کند دوباره حس اختیار خود را به دست آورند. در عین حال، موانع ارتباط آن‌ها با دانش‌آموزان دیگر را از بین می‌برد.

به‌عنوان پروژه، امکان انتخاب تکلیف را به دانش‌آموزان بدهید.

به صورت گروهی کتاب بخوانید.

دانش‌آموزان را به آموزش دادن مهارت یا فعالیت مورد علاقه‌شان به هم‌کلاسی‌ها، تشویق کنید.

تمرکز آن‌ها را برای انجام امور افزایش دهید. به این حالت غرقگی یا شیفتگی هم گفته می‌شود. مانند اجرای نمایش، فوتبال، خدمات اجتماعی و...

به‌منظور ارائه الگوی سالم در مسیر سوگواری، فعالیت‌هایی مانند ذهن‌آگاهی و خاطره‌نویسی انجام دهید. در مواجهه با کودکان پیش‌دبستانی، از به‌کاربردن حُسن تعبیر (واژه‌های خوشایند) در مورد مرگ اجتناب کنید، زیرا کودکان پیش‌دبستانی در درک مرگ مشکل دارند و ممکن است باور کنند مرگ قابل برگشت است. دانش‌آموزان زیر هشت سال ممکن است درگیر تفکر جادویی شوند و معتقد باشند می‌توانستند مانع مرگ شوند. این احساس‌ها و ترس‌ها را بشناسید، اما آن‌ها را تأیید نکنید.

دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ ساله ممکن است در نشان دادن احساس و دیدن غم و اندوه دیگران احساس راحتی کمتری داشته باشند. مطمئن شوید برای این دانش‌آموزان راه‌های متنوع ابراز اندوه را پیش‌پا می‌گذارید.

اگر دانش‌آموزان احساس راحتی نمی‌کنند، آن‌ها را مجبور نکنید احساس خود را با دیگران، از جمله هم‌سالان، در میان بگذارند. برای آن‌ها فرصت‌هایی را فراهم کنید تا احساسات خود را به‌طور خصوصی به اشتراک بگذارند.

در مجموع، دانش‌آموز سوگوار را درک کنید و صبور باشید. به یاد داشته باشید، ممکن است مجبور شوید چندین بار به یک سؤال پاسخ دهید و برای اطمینان از درک آن‌ها اطلاعات کلیدی را تکرار کنید.

همدلی را تمرین کنید و در عین حال هیجان‌زده رفتار نکنید.

در تمام فعالیت‌های مرتبط با این امر که برای دانش‌آموزان اجرا می‌کنید، شرکت فعال داشته باشید تا الگوی رفتاری مناسبی را در زمینه سوگواری ارائه دهید.



دل بستگی امن به خداوند

تأثیر مرگ والدین بر دانش آموزان و راهکار رویارویی با آن

سمیه علیجانی
معاون دبستان



باشد. هر یک از این انواع مرگ تأثیر متفاوتی بر فرزندان می‌گذارد و به‌نحوی آن‌ها را دچار مشکل می‌کند. فشار روانی ناشی از مرگ معمولاً سبب کاهش کارایی دستگاه ایمنی بدن می‌شود و از مقاومت داغ‌دیده در برابر بیماری می‌کاهد.

واکنش‌های هیجانی سوگ عبارت‌اند از: افسردگی، ناامیدی، گریه، شوک ناباوری، خشم، گناه، احساس درماندگی، اشکال در تمرکز، بی‌احساسی، ناتوانی در تصمیم‌گیری و کناره‌گیری از دیگران یا احساس تنهایی. بسیاری از روان‌شناسان (برای مثال تامسون، ۱۹۹۶) معتقدند: بچه‌ها نیز همان مراحل اندوه از مرگ را طی می‌کنند که کوبله‌راس بیان می‌کند. واکنش‌ها شامل هول‌شدن، انکار، باورنکردن، بهت‌زده‌شدن، بی‌تفاوتی آشکار و تغییرات کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) هستند. نشانگان داغ‌دارشدن زیادند. از جمله آن‌ها می‌توان به نشانگان روان‌شناختی (افسردگی و اضطراب) نشانگان کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) مثل سردرد و مشکلات تحصیلی اشاره کرد.

واکنش‌های جامعه‌شناختی سوگ شامل تلاش خانواده و دوستان و اطرافیان برای پشتیبانی و همیاری است و نیز کلیه تلاش‌هایی که به‌منظور بازسازی زندگی فرد به‌عمل می‌آید؛ نظیر بازگشت به کار، تحصیل و ازسرگیری فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط با جامعه.

خانواده اولین نهادی است که کودک در آن رشد و پرورش می‌یابد و مورد حمایت مادی و معنوی پدر و مادر و سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرد. محیط نامساعد یا تنش‌زای ناشی از اتفاقات ناگوار و ناگهانی در خانواده، مثل مرگ و حتی بیماری والدین، می‌تواند خطر بروز آسیب‌های روانی را در فرزند به وجود آورد. یکی از اساسی‌ترین فقدان‌ها برای فرزندان، زمانی رخ می‌دهد که یکی از اعضای خانواده، از جمله پدر یا مادر، دچار مرگ شوند.

مرگ والدین سخت‌ترین تجربه برای فرزند است و پدیده‌ای انکارناشدنی است که کودک آمادگی روبه‌روشدن با آن را ندارد. با مرگ یکی از والدین، تمام دنیای کودک متزلزل می‌شود و او برای درک کردن معنای مرگ تقلا می‌کند.

فرزندان به این دلیل که احساس می‌کنند کسی برای مراقبت از آن‌ها وجود ندارد، اعتماد خود را از دست می‌دهند. حمایت پدر و مادر پایه و اساسی برای دنیای آن‌هاست و مرگ یکی از والدین تعریف آن‌ها را از هستی تغییر می‌دهد. کشیدن بار اندوه به همراه ابهام فرایند مرگ و علت آن، بسیاری از فرزندان را تا سرحد داغ‌دیدگی، افسردگی و اضطراب سوق می‌دهد.

مرگ والدین می‌تواند قابل‌پیش‌بینی، ناگهانی، غیرقابل‌پیش‌بینی و در اثر بلایای طبیعی مثل زمین‌لرزه

۳۵

حمایت پدر و مادر پایه و اساسی برای دنیای آن‌هاست و مرگ یکی از والدین تعریف آن‌ها را از هستی تغییر می‌دهد



فلسفه آموزش و پرورش تربیت و هدایت انسان است. به عبارت دیگر، وظیفه اصلی نظام تربیتی ایجاد زمینه‌ای مناسب برای توسعه انسانی است، چرا که انسان محور توسعه است. انسان توسعه یافته باید از لحاظ جسمانی سالم و از نظر روحی و روانی وضعیت مطلوبی داشته باشد. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های هر انسان، احساس تعلقش نسبت به گروه اجتماعی‌ای است که در آن زندگی می‌کند. زمانی که دانش آموز نسبت به مدرسه، کلاس و دوستانش احساس وابستگی می‌کند، در واقع خود را با آن‌ها هماهنگ و سازگار کرده و نسبت به مدیر، معاون و معلم حس اعتماد و اطمینان قلبی پیدا کرده است. دانش آموز با این پشتوانه مثبت فکری می‌تواند مسائل و مشکلات گوناگون خود را بیان کند و درصدد حل آن‌ها برآید.

کودکان و نوجوانان آسیب‌دیده از مرگ والدین، در مدرسه و در طول تحصیل نیز به حمایت‌های ویژه نیاز دارند که معلم و کارکنان آموزشی مدرسه موظف به پیگیری آن‌ها هستند.

پنج راهکار برای کمک به دانش آموزان سوگوار

۱. فرصت‌هایی برای خودآگاهی و تأمل ایجاد کنیم
معلم‌ها هرگز نباید دانش آموزان را مجبور کنند درباره مرگ عزیزان یا تجربیات غم‌انگیزشان حرف بزنند. اما آن‌ها می‌توانند فضایی ایجاد کنند که دانش آموز در آن بیاموزد

از دست دادن والدین زندگی فرزند را دچار مشکل می‌کند. این اثرات منفی ممکن است پیامدهای شدیدی بر سلامت جسم، رشد احساس و عملکرد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد و نیز عملکرد آن‌ها را در مدرسه کاهش دهد؛ مثل ضعیف شدن نمرات و ناتوانی در تمرکز. علاوه بر این، دانش آموز ممکن است رفتارهای ناگوار از خود نشان دهد (مثلاً در انجام مهارت‌هایی که قبلاً توانایی داشته است، ناتوان شود). شرایط پیش آمده، زندگی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از جمله انگیزه دانش آموزان را برای درس خواندن می‌کاهند و غیبت از مدرسه را در پی دارند که خود این عوامل می‌توانند افت تحصیلی دانش آموزان را در پی داشته باشند و سبب بی‌انگیزگی برای مدرسه رفتن شوند.

مدرسه، همان‌گونه که در پرورش و شکوفایی استعداد دانش آموزان مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، در برقراری آرامش روانی، نشاط و سلامت جسم، یا برعکس، افسردگی و گوشه‌گیری آنان نیز دخیل است. محیط مدرسه باید به گونه‌ای باشد که دانش آموزان در آن احساس امنیت کنند و با میل و رغبت به آنجا قدم بگذارند. باید توجه داشت، در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان محیطی آموزشی با مجموعه‌ای قوانین خشک انضباطی و تربیتی، نمی‌تواند در برانگیختن انگیزه کودکان به سوی علم و دانش مؤثر واقع شود.



است که به حالتی اشاره دارد که در آن فرد طوری بر یک کار متمرکز می‌شود که در آن غوطه‌ور می‌شود. تچان وضعیتی است که در آن فرد آن‌قدر در آنچه سرگرم انجام آن است غرق می‌شود که زمان و مکان را هم حس نمی‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند در انجام فعالیت‌هایی مانند نمایش و فوتبال به حالت تچان برسند.

۵. الگوی مراقبت از خود و عادت‌های سالم باشیم
معلم‌هایی که با دانش‌آموزان سوگوار کار می‌کنند، باید در نظر بگیرند چگونه با انجام فعالیت‌هایی مانند فعالیت‌های ذهن‌آگاه یا خاطره‌نویسی، سازوکارهای مقابله سالم با سوگاری را در کلاس بگنجانند. آن‌ها خود نیز باید در کنار دانش‌آموزان تمرین کنند.

۶. فعالیت‌های بازی‌گونه انجام دهیم
این فعالیت‌ها راهی برای برون‌ریزی احساسات هستند. روش‌های استفاده از هنر نمایش عروسکی و موسیقی بسیار مفیدند. بازی درک آن‌ها را از حوادث غیرقابل درک جهان شکل می‌دهد.

۷. دل‌بستگی معنوی را تقویت کنیم
لازم است دل‌بستگی به خدا را تقویت کرد. دل‌بستگی ایمن به خدا موجب می‌شود بتوانند خداوند را جانشین موضوع دل‌بسته از دست‌رفته خود کنند. «و توکل علی‌الله و کفی بالله و کیلاً»: به خداوند توکل کنید و این امر شما را کفایت می‌کند (سوره احزاب، آیه ۳).

منابع

۱. جلالیان، مریم؛ صیدی، محمدسجاد؛ گل‌محمدیان، محسن (۱۳۹۹). شناسایی شاخص‌های مدرسه کارآمد پس از زلزله. پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۹، شماره ۷۴.
۲. حسینی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). اصول بهداشت روانی. انتشارات دانشگاهی. مشهد.
۳. نصرتی، فاطمه؛ غباری بناب، باقر (۱۳۹۲). چگونگی تحمل‌افزایی (صبر) کودکان در مواجهه با مرگ یکی از اعضای خانواده. فصلنامه علمی‌ترویجی اخلاق، صفحه ۳، شماره ۱۲.
۴. سامانه مدیریت آموزشی تراز. راهکارهایی برای کمک به دانش‌آموزان سوگوار (۱۴۰۰). blog.taraz.org

۵. عصر ایران. نقش مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان (۱۳۹۲).
6. Biank, N. & Sori, C. F. in press-a). Integrating spirituality when working with children and familis experiencing lost of a parent. in k.b.helmeke and c.f.Sori (Eds) the therapist notebook for integrating spirituality in counseling II: More homework handouts & activities for use in psychotherapy. Binghamton NY: Haworth

چگونه به‌نحو ایمن‌تری با احساسات و افکارش در مورد سوگ کنار بیاید.



وظیفه اصلی نظام تربیتی ایجاد زمینه‌ای مناسب برای توسعه انسانی است، چرا که انسان محور توسعه است. انسان توسعه یافته باید از لحاظ جسمانی سالم باشد و از نظر روحی و روانی وضعیت مطلوبی داشته باشد

۲. ارتباط با طبیعت و اجتماع را تقویت کنیم
تحقیقات زیادی بر قدرت شفابخشی طبیعت بر افرادی که غم و اندوه و آسیب را تجربه می‌کنند، تأکید می‌کنند. برای استفاده از مزایای سلامت‌محور طبیعت در محیط یادگیری، معلم‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای اتصال برنامه‌های درسی به دنیای طبیعی در نظر بگیرند. اگر به طبیعت دسترسی ندارند، یا پشتیبانی یا منابع لازم را برای تسهیل این نوع تجربه‌های یادگیری ندارند، تکه‌فیلم‌ها یا تصویرهایی از طبیعت می‌توانند انجام تمرین‌های مشابه را در کلاس درس تسهیل کنند.

۳. دانش‌آموزان را از طریق یادگیری پروژه‌محور توانمند کنیم

یادگیری مبتنی بر پروژه به‌طور بالقوه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند دوباره حس کنترل خود را به دست آورند و در عین حال موانع ارتباط آن‌ها با دانش‌آموزان دیگر از بین ببرند.

۴. لحظاتی را برای ایجاد حالت «تچان» بیابیم
تچان، غرقگی یا شیفتهگی، اصطلاحی در روان‌شناسی

سلام بر فرشتگان

فلسفه مرگ به زبان کودکان

وحید گلستان

کارشناس فیلم آموزشی



فیلم سینمایی: سلام بر فرشتگان
نویسنده و کارگردان: فرزاد اژدری
تهیه کننده: حسن علیمردانی
بازیگران: علیرضا خمسه، ماه چهره خلیلی، مهیار مجیب،
شمسی فضل‌اللهی، کیمیا حسینی و...

اشاره به مفهوم پیچیده مرگ برای کودکان و جدایی از عزیزان برای همیشه، یک چالش قدیمی است. فرزاد اژدری در فیلم سلام بر فرشتگان توانسته است مواجهه یک دختر بچه با مرگ مادر بزرگ و آشنایی با مفهوم مرگ را در جهان داستان خیالی‌اش به خوبی و متناسب مخاطب کودک به تصویر بکشد.

خلاصه داستان

شادی، دختر هفت‌ساله (کیمیا حسینی) به سبب زمین خوردن مادر بزرگش جیران (شمسی فضل‌اللهی)، برای عیادت او به بیمارستان می‌آید و متوجه دو فرشته مرگ (بای‌بای خان) و فرشته زندگی (جان جان خانم) می‌شود که بر گرد او می‌چرخند. شادی که با مادر بزرگش ارتباط عاطفی عمیقی دارد، از خداوند می‌خواهد مرگ را از روی زمین بردارد. دعای او مستجاب می‌شود و فرشته مرگ از طرف خداوند به مرخصی فرستاده می‌شود. دیگر هیچ‌کس نمی‌میرد. دزدان و اشرار زیاد می‌شوند، چون گلوله‌های پلیس دیگر بر آنها تأثیر ندارد. حتی داروها نیز بی‌اثر می‌شوند. بیمارستان محل بستری مادر بزرگ پر می‌شود از بیمارانی که درد می‌کشند، ولی نمی‌میرند.

شادی به کمک پدر بزرگ فوت‌شده‌اش بیوک بابا (علیرضا خمسه) یک سفر مکاشفه‌آمیز به عالم نور می‌کند و درمی‌یابد که خداوند این جهان را به بهترین شکل ممکن آفریده است. لذا از خواسته‌اش دست برمی‌دارد و دعا می‌کند اوضاع به حال سابق برگردد. درست وقتی که او آماده می‌شود با مادر بزرگش وداع کند، خبر جدیدی از راه می‌رسد.





پشتیبانی مدرسه

در مواجهه با سوگ

محمدعلی صنیعی

کارشناس ارشد مدیریت تحول



سرزنش می‌شود، تمایل دارند موضوع را عوض کنند. به همین دلیل، در خانه غالباً برای کودکان مشکل است احساسات خود را به بزرگسالان اطرافشان بیان کنند. به این دلایل، مدرسه ممکن است امن‌ترین و مطمئن‌ترین محیط برای دانش‌آموزان باشد که خود را با تأثیر فقدان تطبیق دهند.

نکاتی برای کارکنان مدرسه، در مواجهه با دانش‌آموز دچار فقدان

۱. مدت زمانی که ممکن است هر دانش‌آموزی خود را با فقدان تطبیق دهد، متفاوت است. به همین دلیل، خدمات مناسب باید برای پیامدهای فوری، ماه‌های پس از حادثه و بلندمدت برنامه‌ریزی شوند.
۲. هر کس در هنگام وقوع مرگ ناگهانی واکنش متفاوتی نشان می‌دهد. نحوه واکنش فرد به چند عامل بستگی دارد: رابطه‌اش با متوفی، شخصیت او، تجربه قبلی درباره مرگ، مرحله رشد، عوامل فشارزای هم‌زمان و محیطی که هنگام مقابله با فقدان در آن قرار داریم.
۳. اگر رویدادی آسیب‌زا برای دانش‌آموزان یا معلم رخ داده باشد، پاسخ‌های شوکی، بی‌حسی و غیرواقعی بودن می‌توانند تا چند روز پس از حادثه به وجود بیایند. برای واکنش‌های غیرمنتظره یا اغراق‌آمیز آماده باشید.
۴. بی‌شمار سؤالات «چرا» و نیاز به صحبت کردن و بازگویی دوباره و مکرر جزئیات عادی است.
۵. ارائه پشتیبانی، انتقال اطلاعات، ارائه ساختار و ارائه مکانی امن برای بیان سؤالات و نگرانی‌ها راهگشاست. دانش‌آموزان، معلمان و والدین به فرصتی نیاز دارند تا به روش‌های گوناگون چگونگی تأثیر مرگ را بر خود دریابند.
۶. توانایی شما برای حفظ حضور بدون اضطراب، دیگران را آرام می‌کند.

سوگ در میان دانش‌آموزان مدرسه رایج است. این پدیده به این معنی است که به احتمال زیاد تقریباً هر سال با دانش‌آموز عزاداری روبه‌رو خواهید شد. دانش‌آموزان تا زمانی که دوره متوسطه را به پایان برسانند، بیشترشان مرگ یکی از اعضای خانواده یا دوستان خود را تجربه خواهند کرد؛ به طوری که پنج درصد از کودکان تا سن ۱۶ سالگی مرگ والدین خود را تجربه می‌کنند.

معلمان و کارکنان مدرسه می‌توانند عوامل خوبی برای حمایت از دانش‌آموزان باشند، اما اگر آگاهی لازم را نداشته باشند، ممکن است ناخواسته عامل فشار روانی باشند. برای مثال، درک نکردن واکنش‌ها ممکن است باعث شود واکنش‌های رفتاری سوگ و فقدان، به اشتباه بدرفتاری یا بی‌احترامی تعبیر شود. مدرسه‌ها می‌توانند بهترین محیط برای ارائه خدمات به دانش‌آموزان (و کارکنان) پس از فقدان باشند، زیرا:

۱. مدرسه محیطی امن برای دانش‌آموز است.
۲. پس از فقدان می‌توان دانش‌آموزان را در طول زمان تحت نظر داشت و در صورت نیاز ارجاع به خدمات بالینی را تسهیل کرد.
۳. والدین ممکن است به پذیرش خدمات ارائه‌شده در محیط‌های مدرسه تمایل بیشتری داشته باشند؛ جایی که ممکن است بر حسب مرتبط با خدمات بهداشت روان کاهش یابد.
۴. وقتی مرگی ناگهانی اتفاق می‌افتد، دانش‌آموزان به طرق گوناگون تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ از نظر عاطفی، رفتاری، اجتماعی و تحصیلی. بسیاری از والدین نگران، به جای تشویق فرزندشان به بیان احساسات واقعی خود، به‌ویژه زمانی که این احساسات شامل خشم، گناه یا

درک نکردن
واکنش‌ها ممکن
است باعث شود
واکنش‌های رفتاری
سوگ و فقدان، به
اشتباه، بدرفتاری
یا بی‌احترامی
تعبیر شود



همه در هنگام مقابله با مرگ ناگهانی و غیرمنتظره به توجه نیاز دارند.

۱۲. در اغلب موارد، به دلیل عشق و نگرانی، بزرگسالان تمایل دارند کودک یا نوجوان را به سمت مشاوره‌ای فردی یا حمایتی گروهی سوق دهند که گاهی تنها به تشدید موقعیت فشارزا از نظر عاطفی منجر می‌شود.

۱۳. واکنش‌های پس از فقدان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر یادگیری داشته باشند. دانش‌آموزان ممکن است: در تسلط بر مطالب جدید مشکل داشته باشند؛ تحریک‌پذیرتر شوند؛ منزوی‌تر شوند؛ مضطرب‌تر یا افسرده‌تر شوند؛ احتمال بیشتری برای درگیر شدن در رفتارهای مخاطره‌آمیز، مانند مصرف مواد، داشته باشند (بی‌بندوباری، رانندگی بی‌احتیاط و اقدام به خودکشی).

آنچه معلمان می‌توانند انجام دهند:

- به آنچه دانش‌آموزان می‌خواهند به شما بگویند گوش دهید. ممکن است دشوار باشد، اما گوش دادن تنها هم می‌تواند نیرویی شفابخش و قوی باشد.

- از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌دیدگی مجدد محافظت کنید. گاهی ممکن است دانش‌آموزان دیگر، دانش‌آموزان به شدت احساساتی یا گریه‌کننده را مسخره کنند.

- مدل رفتار بزرگسالان را به آن‌ها نشان دهید. بزرگسالان به بحران پاسخ می‌دهند. آن‌ها ممکن است غصه بخورند، اما همچنان باملاحظه عمل می‌کنند و رفتار آرام خود را در مدرسه حفظ می‌کنند.

- مشاورانی را آموزش دهند که در مورد علائم و نشانه‌های رایج غم یا آسیب به دانش‌آموزان آموزش دهند تا آن‌ها بتوانند رفتار خود را ارزیابی و درک کنند و راه‌های جدید مقابله را بیاموزند.

- بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تمرکز کنند. دانش‌آموزان دچار فقدان باید از حمایت‌های اضافی مانند تدریس خصوصی یا شرکت در برنامه‌های راهنمایی برای حفظ پیشرفت تحصیلی خود، قبل از وقوع شکست تحصیلی، برخوردار شوند.

منابع

1. Guidelines for responding to the death of a student or school staff
1-877-53-NCSCB (1-877-536-2722) www.schoolcrisis-center.org
2. SUDDEN DEATH IN THE SCHOOL COMMUNITY: UNDERSTANDING THE SITUATION
3. www.pathwaysthroughgrief.org

۷. اطلاعات ملموس شایعات را از بین می‌برند و به دیگران کمک می‌کنند با کسب اطلاعات واقعی، کمتر احساس اضطراب کنند.

۸. کودکان کوچک‌تر نمی‌توانند احساس خود را از طریق کلمات بیان کنند. آن‌ها نمی‌توانند ماندگاری مرگ را درک کنند. نقاشی، طراحی، داستان و بازی می‌توانند فرصت‌های امن و مفیدی برای انتقال ترس‌ها، سوالات و احساسات باشند.

۹. بسیاری از کودکان به فرصتی برای صحبت کردن نیاز دارند. نگرانی، سردرگمی در مورد مرگ، احساسات شدید خشم و غم و اندوه عمیق، در بحث‌های گروهی به راحتی ظاهر می‌شوند. اگر به آن‌ها فرصت داده شود با سایر کودکانی که نگرانی‌های مشابهی دارند صحبت کنند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

۱۰. نوجوانان ماندگاری مرگ را به وضوح درک می‌کنند. والدین غالباً این اشتباه را مرتکب می‌شوند که از نوجوانان انتظار قوی بودن دارند، در حالی که واقعاً احساس می‌کنند بسیار آسیب‌پذیرند. فرصت‌هایی برای نوشتن و بحث‌های گروهی می‌تواند احساسات فرد را در مورد از دست دادن و مرگ تخلیه کند، راه‌های مؤثر و غیرمؤثر برای مقابله را بررسی کند و به نوجوانان کمک کند از سردرگمی و درد خود بکاهند. نوجوانان غالباً مایل‌اند احساسات خود را با همسالانشان به اشتراک بگذارند تا با سایر بزرگسالان.

۱۱. معلمان مدرسه و والدین سوگوار باید مراقب نیازهای خود باشند. غم و اندوه فرایندی طولانی است و بزرگسالان در صورتی که از تأثیر این فقدان آگاه باشند، در حمایت کردن مؤثرتر خواهند بود. شناسایی آنچه آن‌ها نیاز دارند، به دست آوردن حمایت، تنظیم برنامه کاری،



مدرسه‌ها
می‌توانند
بهترین محیط
خدمات رسانی به
دانش‌آموزان (و
کارکنان) پس از
فقدان باشند



پدیده سوگ و از دست دادن عزیزان در مدرسه

مترجم: زهرا زارعی

کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

مقدمه

نوجوانان در طول زندگی بارها با مرگ فامیل، خانواده، دوستان، آشنایان و حتی حیوانات خانگی خود مواجه می‌شوند، یا از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و اینترنت از خبر مرگ چهره‌های مشهور، ورزشکاران، هنرمندان و سیاستمداران سراسر جهان آگاه می‌شوند. به خاطر اینکه غالباً مرگ موضوع چندان ساده‌ای نیست، موضوع آموزش دادن درباره مرگ و سوگ در مدرسه بیشتر جزو موضوعات ممنوع (تابو)^۱ است. در مطالعه‌ای در کشور ترکیه مطرح شد که این موضوع بیشتر در متون درسی مذهبی تدریس می‌شود (Sonbul & C, elik, 2023). دانش‌آموزان به‌خصوص از آنچه والدین آن‌ها در مورد مرگ می‌گویند، می‌ترسند یا آن را انکار می‌کنند. بنابراین، بهتر است در زمان‌های بحرانی مانند سیل، زلزله یا بیماری (مانند همه‌گیری کرونا) که نوجوانان و خانواده‌ها از نزدیک با پدیده مرگ در جامعه مواجه می‌شوند، مدرسه پدیده مرگ را مورد توجه قرار دهد تا دانش‌آموزان و معلمان بهتر بتوانند با آن کنار بیایند.

آموزش مرگ چیست؟

در دایرةالمعارف مک‌میلان آمده است:

اصطلاح آموزش مرگ^۲ به فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشی مربوط به مرگ اشاره دارد. موضوعات اصلی مانند معانی و نگرش‌ها در مورد مرگ، نوع مرگ و روش‌های سوگواری، مراقبت از کسانی را که تحت تأثیر مرگ قرار گرفته‌اند مورد توجه قرار می‌دهد. آموزش مرگ مبتنی بر این عقیده است که انکار، تعریف و نگرش‌های اجتنابی در مورد مرگ می‌توانند در هر فرهنگی تحول یابند. او فرض می‌کند افراد وقتی در معرض آموزش‌هایی با موضوع مرگ قرار بگیرند، بهتر می‌توانند با آن مواجه شوند. هدف اصلی آموزش مرگ، ارتقای کیفیت زندگی خود و دیگران، از طریق گسترش آگاهی و تغییر نگرش‌ها و رفتار، و کمک به ایجاد و حفظ شرایطی است که چنین نتیجه‌ای را به ارمغان بیاورد.

به دو طریق می‌توانیم در مورد مرگ آموزش‌هایی به نوجوانان ارائه کنیم:

- **آموزشی^۳:** شامل سخنرانی‌ها و ارائه‌های سمعی و

بصری برای ارتقای دانش افراد در این باره.

- **تجربی^۴:** شامل فعالیت‌های دربردارنده مشارکت فعال شرکت‌کنندگان، همسو با برانگیختن احساسات، این فعالیت‌ها اجازه تعدیل و اصلاح نگرش‌های مرتبط با مرگ را می‌دهند؛ فعالیت‌هایی مانند: به اشتراک گذاری تجربه‌های شخصی در بحث‌های گروهی، بازی نقش، و فعالیت‌های شبیه‌سازی مبتنی بر اعتماد دوطرفه. بیشتر معلمان ترکیبی از دو روش را به کار می‌برند.

مراحل اجرای واحد آموزش مرگ در کلاس درس

- **آماده‌سازی دانش‌آموزان:** به عبارت دیگر، برای اینکه دانش‌آموزان در مورد این موضوعات سخت آمادگی پیدا کنند، زمان زیادی را صرف می‌کنیم تا فضای کلاسی براساس احترام، همدلی و کرامت انسانی شکل بگیرد. چند هفته یک‌بار، فعالیت‌های کلاسی جمعی و گروهی را که با برنامه درسی ما صمیمیت و ارتباط بیشتری ایجاد می‌کنند، برگزار می‌کنیم. البته این فعالیت‌ها بر گفت‌وگوهای پیچیده ما در مورد مرگ و مردن مقدم هستند. در ابتدای سال، موضوعاتی برای ارائه کلاسی دانش‌آموزان مشخص

۳۶

سوگواری کردن
کار سختی است
و به مشارکت
فعال نیاز دارد



آسیب می‌بینند، قرار دهید. فقط نشستن با دوست داغ‌دیده می‌تواند معنای زیادی داشته باشد. دانش‌آموزان باید آنچه را در دوران سوگ به آن‌ها کمک کرده است، با دوستانشان به اشتراک بگذارند. آن‌ها نشانه‌های یک مشکل خاص و جدی را می‌شناسند و راه‌های درخواست کمک برای خودشان یا کسانی که عاشق آن‌ها هستند، پیدا می‌کنند.

– **رفتن به بیرون کلاس:** شرکت کردن در مراسم تشییع جنازه می‌تواند فعالیتی پرورشی برای این واحد درسی باشد.

به این ترتیب، دانش‌آموزان در مورد فرایند مراسم تشییع جنازه یاد می‌گیرند. شاید یک روز لازم باشد برای مراسم کسی کاری انجام دهند! بهتر است هیچ‌وقت، حتی در هیاهوی تشییع جنازه، اجازه ندهیم بچه‌ها وارد اتاق شست‌وشوی مرده‌ها شوند. می‌توانیم جلسه‌ای با مسئول محل دفن مردگان داشته باشیم تا نحوه تشییع جنازه را برای افرادی از فرهنگ‌ها و مذهب‌های مختلف به دانش‌آموزان توضیح دهیم.

در پایان این جلسه، دانش‌آموزان به درکی عمیق از خودشان و احساس و عقیده‌شان در مورد مرگ می‌رسند. به آن‌ها برگه‌ای می‌دهیم تا آنچه را آموختند و احساسی را که در مورد آن داشتند بنویسند.

می‌شوند. در ابتدا، دانش‌آموزان با هم کلاسی‌های خودشان کمتر در مورد این موضوعات دلبسته‌آور بحث می‌کنند و وقتی زمان هر ارائه در مورد سوگ می‌رسد، شرایط مناسبی را ایجاد می‌کنیم که آن‌ها برای به‌اشتراک‌گذاری روایت‌های خودشان راحت باشند.

– **درک سوگ:** واحد آموزش مرگ را با گفت‌وگو در مورد مراحل سوگ آغاز می‌کنیم. حتی در مورد نحوه بروز این هیجان‌ها و احساس‌ها به صورت فیزیکی و جسمی و خستگی، سردرد، بی‌حسی دست و پا بحث می‌کنیم. وقتی به کارهای مربوط به سوگ توجه می‌کنیم، می‌بینیم که سوگواری کردن کار سختی است و به مشارکت فعال نیاز دارد. برای افراد یا چیزهایی که از زمان تولد تا به امروز از دست داده‌ایم، جدولی زمانی تنظیم می‌کنیم. همه اتفاقاتی را که دوران سوگ بیشتری داشته‌اند، فهرست می‌کنیم. هیجان‌هایی را هم که در از دست دادن‌ها تجربه می‌شوند، فهرست می‌کنیم.

برخی از دانش‌آموزان تجربه از دست دادن چیزهای بزرگی را داشته‌اند (مانند مرگ اعضای خانواده) و برخی دیگر هیچ‌گاه برایشان سوگی اتفاق نیفتاده و فقط به آن فکر کرده‌اند. به این ترتیب، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه نه فقط مرگ، بلکه هر از دست‌دادنی باعث سوگ می‌شود. با مثال گم‌شدن تلفن همراه که چندان ارتباطی به مرگ ندارد، شروع می‌کنیم. با این مثال، مرحله به مرحله پیش می‌رویم. اول جر و بحث می‌کنیم. در عین حال می‌کوشیم آن را ردیابی کنیم. در این مسیر خودمان و دیگران را عصبانی می‌کنیم. در آخر هم می‌پذیریم که گم شده است.

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند سوگ چگونه شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و افراد چگونه به‌طور متفاوت تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

– **ایجاد واکنش‌ها و رفتارهای طبیعی‌تر:** وقتی مرحله‌ها و تکلیف مربوط به سوگواری را می‌فهمیم، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند بپذیرند هرکسی به روش خودش سوگواری می‌کند. روش سوگواری، به صورت خطی و مشخص، از قبل تعیین نشده است. درست و غلط ندارد. هیچ الگوی مشخصی وجود ندارد که همه از آن پیروی کنند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که تجربه‌های هیجانی، چگونه بدون اینکه قضاوت شوند، دیده می‌شوند. می‌توانیم فیلم‌هایی را که در آن‌ها محتواهای مرتبط با مرگ و جهان پس از مرگ ارائه می‌شوند، با دانش‌آموزان در کلاس ببینیم و با هم نکات مهم آن‌ها را در مورد مرگ، زندگی و عشق جمع آوریم.

– **ساختن واکنش‌های همدلانه:** اصل بحث‌های کلاسی را بر روش‌هایی برای کمک به دوستانی که از مرگ

سوگواری،
به صورت خطی و
مشخص، از قبل
تعیین نشده است.
درست و غلط
ندارد. هیچ الگوی
مشخصی وجود
ندارد که همه از
آن پیروی کنند

مزیت‌های آموزش مرگ

- افزایش آگاهی در مورد واقعیت مرگ و عزاداری؛
- کاهش ترس از مرگ؛
- مفهوم‌سازی مرگ در قالب اصطلاحات فیزیکی؛
- کاهش نگرانی‌هایی مانند بی‌عدالتی مرگ؛
- افزایش بحث و گفت‌وگو در مورد مرگ، غم و اندوه و هیجان مرتبط با هر کدام؛
- توانمندشدن افراد در واکنش‌های خاص خود در برابر سوگ؛
- افزایش توانایی برای شناختن هیجان‌های متضادی که همراه سوگ وجود دارند؛
- افزایش توانایی کنار آمدن با این پدیده؛
- دستیابی به درک بهتری از دیدگاه‌ها و عقیده‌های مذهب‌ها و فرهنگ‌ها در مورد مرگ.

پیشنهادهای توصیه‌هایی در مورد اجرای برنامه

- برنامه را متناسب با سن دانش‌آموزان اجرا کنید:
- اکثر دانش‌آموزان از طریق رسانه‌ها بارها درباره پدیده مرگ می‌شنوند، می‌خوانند و گاهی تجربه می‌کنند. در ذهن خود داشته باشید که اجرای این نوع برنامه‌ها باید با پایه تحصیلی دانش‌آموزان، مرحله رشد آن‌ها و تفاوت‌های فردی آن‌ها متناسب باشد.

در دوره ابتدایی، توجه و تمرکز فوری باید بر درک مرگ حیوان خانگی، دوست یا خویشاوند باشد. در دوره متوسطه اول می‌توان رفتارهای نادرست و نابخردانه در مورد مرگ را، از قبیل خودکشی، موردتوجه قرار داد. اینکه چطور می‌توانیم جلوی چنین اتفاقاتی را بگیریم؟ بسیاری بر این باورند که آموزش دادن و صحبت کردن در مورد مرگ، با توجه به آمار بالای خودکشی نوجوانان و جوانان در سطح جهان (سازمان بهداشت جهانی^۵، ۲۰۲۱)، موضوع خودکشی را عادی می‌کند. در صورتی که به اعتقاد گروهی، درک معنای مرگ، به این نسل از جامعه معنا و مفهوم بهتری از زندگی کردن می‌دهد. برنامه‌های آموزشی پیشگیری از خودکشی، باید با هدف مواجهه با این ایده که مرگ در کنار زندگی سالم و مثبت وجود خواهد داشت، موردتوجه قرار گیرند.

در دوره متوسطه دوم، موضوعات متعددی به موضوع مرگ مرتبط می‌شوند. در همه دوره‌های تحصیلی، لحظه‌ها و موضوع‌های بسیار مهم قابل تدریس وجود دارد.

- برنامه زمان‌بندی: تعیین برنامه‌ای رسمی در اواخر

سال تحصیلی، اجازه آماده‌شدن را به معلمان و دانش‌آموزان می‌دهد. با توجه به اینکه موضوع مرگ تقریباً موضوعی تنش‌زاست، بهتر است زمان اجرای این برنامه در حین فعالیت‌هایی از قبیل وقت نهار و استراحت و فعالیت‌های ورزشی باشد.

- طول اجرای برنامه: با توجه به خاص بودن موضوع، زمانی ۳۰ تا ۴۵ دقیقه‌ای می‌تواند برای ارتقای درک مفاهیم مورد تدریس مفید و مؤثر باشد.

- دوره یکپارچه: برای اجرای بهتر این برنامه می‌توان از مشاوران راهنما و روان‌شناسان تربیتی در مدرسه استفاده و موسیقی‌هایی در این محتوا پخش کرد. کلاس‌های هنری می‌توانند با الهام‌بخشی از مرگ، بحث کنند و کار هنری بیافرینند. کلاس‌های تاریخ می‌توانند در مورد بلاها و جنگ‌هایی که باعث مرگ‌های فراوانی شده‌اند، بحث کنند. درس‌های گوناگون می‌توانند بحث‌های فرهنگی و مذهبی را متناسب با فرهنگ‌ها و مذهب‌ها ارائه کنند.

در پایان باید به این نکته توجه کرد که فعالان عرصه آموزش و پرورش، به‌خصوص معلمان، با ارتباط مستمری که با دانش‌آموزان دارند و اعتمادی که دانش‌آموزان به آن‌ها دارند، در زندگی آن‌ها نقش مهمی دارند. هرچه دانش‌آموزان بزرگ‌تر می‌شوند، شکل‌گیری شخصیت آن‌ها پیچیده‌تر می‌شود و این مدرسه است که باید موضوع‌هایی مانند مرگ و سوگواری را با دقت و تحت‌نظر کارشناسان موردتوجه قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. taboo subject
2. death education or Pedagogy of Death
3. Didactic approach
4. Experiential approach
5. World Health Organizat

منابع

1. Sydney Wiederkehr (2023) **Addressing Grief through Death Education**, Center for MH in Schools & Student/Learning Supports at UCLA, UCLA.Website: <http://smhp.psych.ucla.edu>
2. John W.L. Tse, Christopher Bagley (2018) **Death Education: A Tool of Child and Adolescent Suicide Prevention**, a chapter of Suicidal Behavior, Bereavement and Death Education in Chinese Adolescents, Routledge publication, London, <https://doi.org/10.4324/9781315189239>
3. Sonbul, Z. F., & C,elik, R. (2023). **The place of death in elementary and secondary school curricula in Turkey**. International Journal of Educational Research, 117, 102106. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2022.102106>

هدف اصلی آموزش مرگ، ارتقای کیفیت زندگی خود و دیگران، از طریق گسترش آگاهی و تغییر نگرش‌ها و رفتار، و کمک به ایجاد و حفظ شرایطی است که چنین نتیجه‌ای را به ارمغان بیاورد

همین قدر ساده و شیرین!

معصومه عبدالرحمن
معلم پایه اول / اسلامشهر



زنگ اتمام کار که خورد، مثل همیشه سوار سرویس شدیم و به طرف منزل راه افتادیم. من و مدیر با هم هم‌مسیر بودیم. در راه ناگهان شروع به صحبت کرد: «در کلاس خانم فلائی دانش‌آموزی بیمار است که والدینش امروز آن را مطرح کرده‌اند. این بچه سرطان دارد و در حال درمان است. روحیه معلمش بسیار بد است. اگر بشود، بچه به کلاس شما بیاید.»

من در جا گفتم: «قدمش سر چشم.» فردای آن روز مدیر من و همکارم را صدا زد و در این رابطه صحبت کرد، اما همکارم مخالفت کرد و گفت: «عیبی ندارد، من به خودم مسلط می‌شوم.» تقریباً مدتی از این جریان گذشت. حال بچه بدتر شد و متأسفانه فوت کرد. البته در طول این مدت همکار بنده به بقیه گفته بود فاطمه از این مدرسه رفته است.

کار با بچه‌های کلاس اول دنیای شیرینی است که نمی‌توان با هیچ تجربه‌ای مقایسه‌اش کرد.

دهه اول کارم بود. سر کلاس تدریس شادی را داشتم که صدای زنگ تفریح، بچه‌ها را به حیاط و مرا به دفتر کشاند. همکاران در دفتر نشسته بودند و مثل همیشه با همدیگر حرف می‌زدند که همکار هم‌پایه‌ام آمد. سر حال نبود. پیشم نشست. آرام گفتم کشتی‌های غرق شده‌اند؟

گفت: «کاش کشتی‌ام غرق شده بود!» فهمیدم موضوع مهمی است. گفتم: «اگر دوست داری، بیا بیرون، برایم بگو.» گفت: «باشد بعداً.»

مدیر مدرسه که از دوستانم بود آمد، به همه خسته‌نباشید گفت و شروع به صحبت کرد. اما من از فکر همکارم بیرون نیامدم.



یک روز مدیر مدرسه برای این بچه برنامه ختمی در نمازخانه مدرسه برگزار کرد. از خانواده‌اش هم دعوت کرد. مراسم که به آخر رسید، گفتند هم کلاسی‌های فاطمه را بیاور تا مادرش ببیند، چون خیلی دلش می‌خواهد بچه‌ها را ببیند. بنده چشم گفتم و رفتم سر کلاس. تقریباً آخر مراسم بود. یکی از اولیای کلاس را سر کلاس خودم گذاشتم و دانش‌آموزان همکارم را با نظم به نمازخانه هدایت کردم. همین که من وارد نمازخانه شدم، بچه‌ها پشت سر من آمدند. همکار من با ناراحتی به سمت من آمد که بچه‌ها را ببر بیرون. اما مدیر مدرسه با آرامش ایشان را به طرف دیگر برد. بعد مادر فاطمه یکی یکی روی هم کلاسی‌های دخترش را بوسید و فقط گفت: «بچه‌ها فاطمه رفته است پیش خدا. برای من دعا کنید.»

مراسم که تمام شد، همکارم آمد و گفت: «من حالا چه کار کنم؟ چطور موضوع را از ذهن بچه‌ها پاک کنم؟ این‌ها نباید مرگ را ببینند (البته با خشم و فریاد)!»

مدیر مدرسه ما را به دفترش هدایت کرد و گفت: «حالا اینجا با هم صحبت کنید.»

همکارم گفت: «خودت خراب کردی، خودت هم درستش کن.»

گفتم: «خراب کردن نیست. بالأخره این‌ها با این موضوع در خانواده هم مواجه می‌شوند. تازه، چند دانش‌آموز کلاس من و خودتان همسایه این بچه بوده‌اند.»

همکارم گفت: «من نمی‌دانم! تا دانش‌آموزان از من سؤال نکرده‌اند، یک کاری بکن.»

گفتم: «فردا کلاس خودم و خودت در نمازخانه یا حیاط تشکیل شود و نقاشی گروهی کار کنیم.»

با ناراحتی گفت: «تا فردا.»

روز بعد در نمازخانه همه بچه‌ها با هم بودند و طبیعی است که شلوغ می‌کردند. با همکارم داخل شدیم. همه با سختی بلند شدند (برپا). بعد من گفتم: «دخترهای خوب بیایید هر نفر از کلاس من با یک نفر از کلاس بغلی پیش یکدیگر بنشینند.»

گفتم: «آرام کنار هم بنشینید و خوب گوش کنید. می‌خواهم هر چه را از حرف‌های من فهمیدید، نقاشی بکشید.»

همه یک‌صدا گفتند: «چشم خانم.»

شروع کردم: «دخترها، چه کسی ما را آفریده است؟»

همه بچه‌ها: «خدا.»

- یادتان هست چند وقت پیش خدا یک خواهر به سمیه داد؟

- بله. خیلی خوشگل است.

- سمیه، قبل از آن، خواهرت اتاق تو را دیده بود؟

- نه خانم، تازه اسباب‌بازی‌ها را هم ندیده بود.
- پس وقتی به دنیا آمد، دانست اینجا چقدر قشنگ است؟
همه با هم گفتند: «بله.»

گفتم: «خب، خدای مهربان به ما جاهای قشنگی هدیه داده و چیزهای زیادی خلق کرده است. بعضی‌ها را ما دیده‌ایم و بعضی دیگر را خودش می‌داند چه وقت باید ببینیم یا به آنجا برویم.»

یکی از بچه‌ها: «مثل شمال که جنگل و دریا دارد و قشنگ است.»

هر کدام از بچه‌ها از زیبایی جاهایی که رفته بودند، گفتند. بعد من ادامه دادم: «بچه‌ها، فاطمه هم به فرمان خدا، مثل خواهر سمیه که به این دنیا آمد، رفته به یک دنیای دیگر. آنجا هم مثل تعریف‌های شما از جاهایی که رفته بودید، خوب است.»

یکی از بچه‌ها گفت: «پس رفته است سفر!»

همکارم با خوش حالی و بلند گفت: «بله.»

من و همکارم کلی با بچه‌ها صحبت کردیم. در انتها من گفتم: «حالا با توجه به حرف‌هایی که امروز شنیدید، یک نقاشی بکشید.»

بچه‌ها شروع کردند با شادی و با همدیگر تکلیف نقاشی‌شان را انجام دادند. همکارم آمد و آهسته به من گفت: «دست درد نکند. باورت نمی‌شود، فکر کردم دیگر نمی‌توانم سر کلاس کار کنم!»

گفتم این کارها خیلی ساده‌اند. فقط نباید ترسید.

نقاشی همه بچه‌ها یک چیز را نشان می‌داد: فاطمه در زیباترین جاست.

پس از آن روز، مادر فاطمه بارها برای بچه‌ها خوراکی خیراتی آورد. او با آرامش سر کلاس دخترش می‌رفت و همکارم هم با رضایت از او استقبال می‌کرد. می‌توان مرگ را همین‌قدر شیرین و ساده توصیف کرد.

دختر یکی یک‌دانه ناز پرورده

تقریباً در دهه دوم فعالیت آموزشی‌ام، معاون آموزشی بودم. یک روز برنامه داشتیم. محل اجرا را خالی کرده بودیم. بچه‌ها در برنامه شرکت کردند و همکاران هم پس از پایان کار به کلاس‌هایشان رفتند.

ناگهان یکی از همکارانم با نگرانی آمد و گفت که دانش‌آموز سر کلاس نیست. بچه‌ها هم گفته بودند در مراسم نبوده است. من و مدیر مدرسه و نیروی خدماتی و... همه مدرسه را گشتیم. حتی کوچه‌های اطراف را، اما او نبود. همه برگشتیم داخل مدرسه تا به کلانتری زنگ بزنند. از حیاط به داخل می‌رفتم. از گوشه حیاط، جایی که وسایل سالن را برای برنامه بیرون گذاشته بودیم، توجهم جلب شد.

تنها جایی که نگشته بودیم، آنجا بود.

رفتم لابه‌لای وسایل را با دقت نگاه کردم. چیزی ندیدم. داشتم برمی‌گشتم که یک‌دفعه صدای خش‌خش و بعد صورت یک دختر را دیدم. گفتم: «تو اینجاایی؟»

با ترس و زحمت بیرون آمد. قلبش تند می‌زد. گفتم: «ترس، ولی چرا آنجا بودی؟ همه دنبالت هستند.»

بعد هم بلند گفتم: «نگران نباشید. پیدا شد!»

همه به طرف من آمدند؛ البته بعضی با خشم و فریاد و... و هزار سؤال که کجا بودی؟ چرا؟ و...

به ایشان گفتم: «بگذارید آرام که شد، من در اتاقم از او می‌پرسم قضیه چیست. الان ترسیده است.»

خلاصه با کمک مدیر مدرسه همه را آرام کردم. بعد در اتاقم با آب خوردن و شکلات از او پذیرایی کردم. با کمی مقدمه‌چینی، بچه خودش به حرف آمد.

فهمیدم که چند روز پیش این دختر پس از تعطیلی مدرسه، به منزل همسایه‌شان می‌رفته است تا والدینش به منزل برگردند. متأسفانه این خانم همسایه روی همان صندلی که نشسته بوده فوت می‌کند. تا والدین بچه بیایند، او پیش پیرزن بوده و به قول خودش هر چقدر حرف زده، پیرزن جواب نمی‌داده و...

و این دختر کلاس سومی یکی‌یک‌دانه ناز پرورده، از مرگ ترسیده بود.

من این بار با توجه به امکانات در اختیار این بچه (رایانک) از فیلمی که قبلاً خودش درباره‌اش توضیح داده بود، استفاده کردم و گفتم، یادت هست گفتم تو رایانک فیلمی داشتی که چند بچه از بلندی می‌افتند و به دنیای دیگر می‌روند؟ آنجا همه چیز خیلی زیبا بود و بازی می‌کردند؟

خودش با من همراهی کرد که فیلم ژاپنی بود. کل فیلم را توضیح داد و گفت در آخر فیلم، وقتی بچه‌ها برگشتند به دنیای خودشان، یکی از آن‌ها که بیمار بود فوت کرد. بقیه خوابش را دیدند که در همان جای قشنگ است.

بعد از آن، قدری صحبت کردیم تا حرف را به همسایه ایشان کشاندم که مرگ بد نیست. ما نمی‌دانیم آن طرف چه خبر است. برای همین می‌ترسیم و...

پس از آرام‌کردنش که چندساعتی طول کشید، این دختر با کمک مدیر مدرسه، مشاور خوبی را به والدینش معرفی کرده تا مشکل ادامه پیدا نکند و حل شود.

این دختر خانم الان دانشجوی روان‌پزشکی است.

به نام خالق هستی

مقوله مرگ برای همه ما معماست. ما بزرگ‌ترها هم می‌ترسیم، اما این ترس در سنین پایین ممکن است به مشکل تبدیل شود. با توجه به موقعیت و نوع تربیت

خانوادگی و سن باید در برخورد با این موضوع درست عمل کرد.

ما معلمان در طول خدمتمان نمونه‌های زیادی را تجربه کرده‌ایم، اما یادم هست، زمانی فیلمی به نام «پرنده کوچک خوشبختی» در تلویزیون نمایش داده می‌شد. در این فیلم دختری به ظاهر لال بود که مادرش، بر اثر حادثه‌ای، جلوی چشمش در استخر خانه‌شان غرق می‌شود. از آن به بعد، این دختر صحبت نمی‌کند، پرخاشگر و... ناهنجار است.

در صحنه‌ای از فیلم می‌بینیم: در مدرسه، یک روز وقتی دوستش با ماشین بازی می‌کند، او ناگهان با خشم اسباب‌بازی دوستش را می‌برد به گوشه‌ای از حیاط مدرسه تا خرابش کند. بعد با کمک معلمی که مواظبش بود، خاکش می‌کنند. معلم می‌گوید: این ماشین بد را اینجا می‌گذاریم تا دیگر کسی را اذیت نکند.

در صحنه‌ای دیگر، پرنده دختر می‌میرد و وقتی با کمک معلم می‌برند در بوستان خاکش کنند، دختر رویش را برمی‌گرداند و نگاه نمی‌کند. او ناراحت است، اما معلمش می‌گوید ناراحت نباش. چند وقت دیگر که فصل بهار می‌شود و دوستانش می‌آیند، او دیگر تنها نیست.

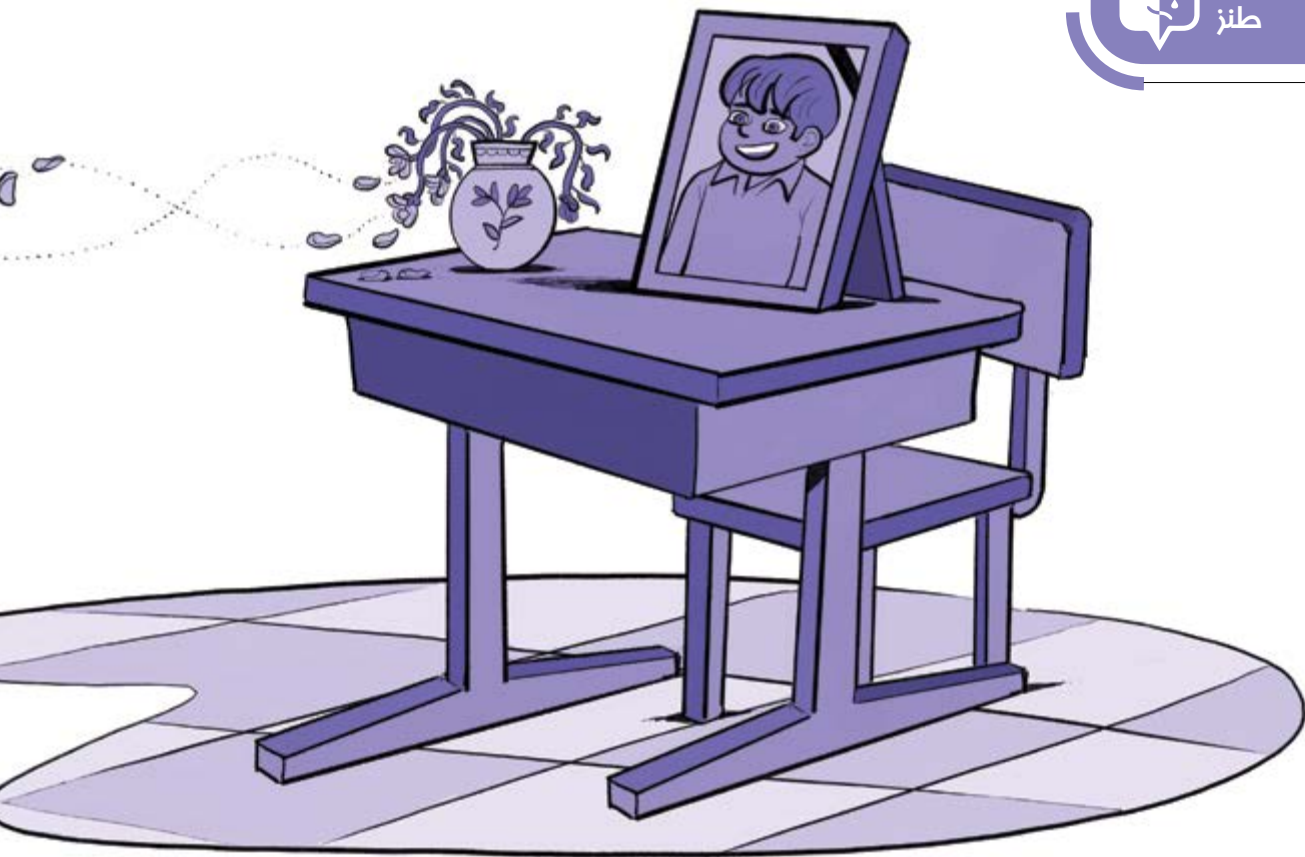
در این دو صحنه جسم بی‌جان (ماشین) خاک می‌شود و پرنده، موجود جان‌دار، هم خاک می‌شود، اما ما تفاوت رفتار بچه را می‌بینیم. باید از هدف آفرینش بهره گرفت و به فراخور سن درباره مرگ و... اطلاعات داد.

بله. مقوله مرگ و روح آزاد و همیشه زنده را می‌توان به شکل ساده (پرنده فیلم) برای بچه‌ها مطرح کرد.

در زمان‌های گذشته، به دلیل کمی اطلاعات و نوع زندگی (خانواده‌های پرجمعیت) به روش‌های ساده‌تر و در حال حاضر با توجه به فیلم‌ها، کارتون‌ها و اطلاعات زیاد بچه‌ها و حتی جنگ‌ها (غزه) یا خبر (کودک کاپشن صورتی)‌ها و... که بیشتر بچه‌ها می‌بینند و گاهی بین خودشان تحلیل هم می‌کنند، ما هم باید روشمان را عوض کنیم و حتماً اطلاعاتمان را در زمینه‌های گوناگون، از جمله دینی (جریان حضرت اسماعیل علیه‌السلام و...) بالاتر ببریم تا بتوانیم در تربیت بچه‌ها موفق باشیم. البته یادمان نرود، مطالعه و بهره‌گیری از متخصصان را سرلوحه کارمان قرار دهیم.

به تعداد بچه‌های سرزمینم روش و راه تربیتی وجود دارد که ما باید به آن‌ها بیشتر توجه کنیم. این امر با دقت در محیط زندگی‌مان، اعم از جامعه و کوچه و وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و فیلم و پویانمایی حاصل می‌شود.

به امید فردایی بهتر و توفیق خدمت



تقاضای تغییر نام

مجید صالحی

تصویرگر

مهدی فرج‌اللهی

معلم و طنزپرداز



سهرابی در غم مرگ سروش

شعر هم ضمیمه‌اش می‌کرد. سهرابی با شنیدن حرف‌های پدربزرگ هم می‌خواست کمی دلش آرام بگیرد و هم از نکته‌هایی که می‌شنید برای نوشتن انشایش استفاده کند. سؤال‌های زیادی در ذهن سهرابی رژه می‌رفت. اینکه چرا ما می‌میریم؟ یا اینکه وقتی قرار است بمیریم چرا به دنیا آمديم؟ یا حالا که به دنیا آمديم و می‌دانيم که می‌میريم، چگونه باید خوش حال باشیم؟ همین سؤال‌ها را از پدربزرگش پرسید.

پدربزرگ می‌دانست چرا این سؤال‌ها را می‌پرسد؟ از ماجرای درگذشت سروش خبر داشت. سروش چندباری برای بازی و درس خواندن آمده بود اینجا. در حالی که تلاش می‌کرد نوه‌اش اشکش را نبیند، سهرابی را در آغوش گرفت و بعد به بهانه خوردن قرص به آشپزخانه رفت. بعد از چند دقیقه برگشت و به سهرابی گفت: «مرگ آخر این خانه به‌دوشی‌ها نیست

چند وقتی بود بچه‌های کلاس دل و دماغ نداشتند. بعد از اینکه سروش، هم‌کلاسی‌شان، در تصادف رانندگی به رحمت خدا رفته بود، غمگین بودند. سروش بهترین دوست سهرابی در مدرسه بود و این اتفاق تأثیر زیادی بر روحیه‌اش گذاشته بود تا حدی که پدر و مادر سهرابی دو بار او را به مرکز مشاوره بردند تا با کمک روان‌شناس بهتر بتواند با نبود دوستش کنار بیاید.

چند روز پیش بچه‌ها سر کلاس نگارش، معلم را درباره مرگ حسابی سؤال پیچ کردند. هر کس به‌نوعی غمگین و نگران بود. معلم نگارش هم از بچه‌ها خواست برای جلسه بعد، با موضوع مرگ و زندگی انشا بنویسند تا درباره این موضوع در کلاس بیشتر صحبت کنند.

سهرابی تصمیم گرفت پیش پدربزرگش برود. هر وقت با او صحبت می‌کرد، حالش بهتر می‌شد. پدربزرگ سهرابی اهل شعر و ادبیات بود و هر جمله‌ای که می‌گفت یک بیت



چون که در خاطر ما نیز غم دنیا نیست»
حالا بین **صائب تبریزی** چگونه تکلیف آدم را روشن می‌کند؟ که نه تنها غمگین نباشیم، بلکه تا زنده‌ایم به دنبال شاد کردن دیگران باشیم.

«تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد»
کافی است یک نفر را خوش حال کنی. انگار کل دنیا را شاد کرده‌ای.

صحبت‌های نوه و پدربزرگ تازه گل انداخته بود و یکی دوساعتی طول کشید. سهرابی با کمی سیرداغ پیازداغ بیشتر و کم و زیاد کردن، گفت‌وگویش را با پدربزرگش به عنوان انشا در دفتر نگارش نوشت. انشا را با یاد و خاطره‌ای از سروش آغاز کرد و به پیشنهاد پدربزرگ، حالا که صحبت از مرگ به میان آمده بود، برای اینکه حال و هوای کلاس عوض شود، به عنوان حسن ختام، این حکایت کوتاه طنزآمیز را هم از پرویز شاپور اضافه کرد: «روزی در قبرستان عده‌ای را دیدم که دارند روی سنگ‌قبری حکاکی می‌کنند. جلو رفتم و پرسیدم شما که هستید و چه کار می‌کنید؟ گفتند ما مأموران ثبت‌احوال هستیم. این مرحوم در زمان حیاتش تقاضای تغییر نام داده بود. حالا با آن موافقت شده است.»

اسباب‌کشی به خانه آخرت است.»
سهرابی گفت: «پدربزرگ، ما تا حالا چندبار اسباب‌کشی داشتیم. آدم وقتی اثاث جابه‌جا می‌کنه، کلی وسیله می‌بره با خودش. مردن که نمی‌شه اسباب‌کشی! ما که چیزی نمی‌بریم با خودمون!»

پدربزرگ لبخندی زد و گفت:
«اندیشه و کردار تو اسباب تو است
ای کاش که خوب باشد آن‌ها پسر»
سهرابی چندثانیه‌ای سکوت کرد و گفت: «با این غصه‌ها چه کار کنیم؟ از دست دادن دوست. گرفتن نمره پایین. خیلی چیزها باعث غم و غصه می‌شه.»
پدربزرگ از قول جناب **نظامی** گفت:

«غم دنیا کسی در دل ندارد
که همچون ما در آن منزل ندارد»
یعنی باش، ولی دل بسته‌اش نباش. هیچ‌چیزی در این دنیا غیر از خدا پایدار و پابرجا نیست.
کلیم کاشانی هم گفته است:

«بی‌دید راه گر نتوان رفت پس چرا
چشم از جهان چو بستی از آن می‌توان گذشت»
بین کلیم چه نگاه قشنگی دارد؟ وقتی با بی‌مهری و بی‌وفایی دنیا روبه‌رو می‌شود، می‌گوید:
«گر ندارد غم ما دهر نرنجیم از او»



سوگ والدین متأثر از کووید ۱۹

تأثیر سوگ والدین متأثر از کرونا بر سلامت روان کودکان و نوجوانان شهر تهران (مطالعه موردی)

تنظیم کننده: دکتر نیره شاه محمدی

دکترای برنامه درسی



اشاره

سوگواری در کودکان، به دلیل درک محدود آن‌ها از مفهوم مرگ و فرایند پیچیده‌ای که باید طی کنند، می‌تواند بسیار متفاوت از بزرگسالان باشد. کودکان ممکن است درباره بازگشت فرد از دست‌رفته خیال‌پردازی‌هایی داشته باشند یا با احساس گناه، تصور کنند به نوعی در رخداد مرگ مسئول هستند. این در حالی است که غالباً نمی‌توانند احساس خود را به وضوح بیان کنند. به همین دلیل ممکن است احساسشان را با پر خاشگری یا کناره‌گیری نشان دهند.

سن کودک در چگونگی درک و مدیریت سوگواری نقش مهمی دارد. کودکان کوچکتر ممکن است در الگوهای خواب یا خوردن، تغییراتی نشان دهند، در حالی که کودکان بزرگتر ممکن است به پرسیدن سوال‌های بیشتر درباره مرگ و زندگی پس از مرگ روی آورند. حمایت و اطمینان بزرگسالان به آن‌ها کمک می‌کند با احساس خود بهتر مواجه شوند. ایجاد فضایی امن برای گفت‌وگو و ابراز احساس، تشویق به استفاده از ابزارهایی مانند نقاشی و بازی برای بیان ناگفته‌ها و اطمینان بخشیدن به کودک درباره اینکه زندگی چگونه ادامه خواهد یافت، از جمله کمک‌هایی است که می‌تواند در این مسیر حمایت‌کننده باشد. هدف نهایی این حمایت‌ها، کمک به کودکان است تا بتوانند با خاطرات عزیز از دست‌رفته خود سازگار شوند و به زندگی روزمره بازگردند.

چکیده پژوهش اول

زمینه و هدف: در وضعیت پرمخاطره فعلی، شناسایی کودکان و نوجوانان مستعد اختلالات روان‌شناختی در سطح‌های گوناگون جامعه، که سلامت روان آن‌ها به خاطر سوگ والدین به خطر افتاده است،

امری ضروری است تا با راهکارها و فن‌های مناسب روان‌شناختی بتوان سلامت روان آنان را حفظ کرد؛ لذا هدف این پژوهش تأثیر سوگ والدین، متأثر از کووید ۱۹ بر سلامت روان کودکان و نوجوانان شهر تهران (مطالعه موردی) بود.

روش پژوهش: نوع این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی. جامعه آماری پژوهش حاضر والدین و کودکان و نوجوانان شهر تهران در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ هستند. حجم نمونه پژوهش ۵۰ نفر است که به روش داوطلبانه انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر پرسش‌نامه‌های سوگ **هوگان** (۲۰۰۱) و سلامت روانی **هیل و گلدبرگ** (۱۹۷۲) است. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل وایزشی (رگرسیون) و با استفاده از نرم‌افزار اسپس اس ۲۳ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، سوگ والدین متأثر از کووید ۱۹ و هر یک از مؤلفه‌های آن، یعنی ناامیدی، رفتار وحشت‌زدگی، سرزنش و خشم، کناره‌گیری، درهم‌ریختگی و رشد شخصی کودکان و نوجوانان تأثیر معنی‌داری دارد. بنابراین می‌توان گفت، هر یک از ابعاد سوگ والدین یعنی درهم‌ریختگی، رشد شخصی، سرزنش و خشم، رفتار وحشت‌زدگی، کناره‌گیری و ناامیدی، به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته (ملاک)، یعنی سلامت روان کودکان و نوجوانان است.

نتیجه‌گیری: در وضعیت پرمخاطره فعلی، شناسایی کودکان و نوجوانان مستعد اختلالات روان‌شناختی در سطح‌های گوناگون جامعه که سلامت روان آن‌ها به خاطر سوگ والدین به خطر افتاده، ضروری است تا با راهکارها و فن‌های مناسب روان‌شناختی بتوان سلامت روان آنان را حفظ کرد.

مجید، بشکوه؛ صدیقه شهاب زاده

تأثیر سوگ والدین متأثر از کووید ۱۹ بر سلامت روان کودکان و نوجوانان شهر تهران (مطالعه موردی). مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان.

هر یک از ابعاد سوگ والدین، یعنی درهم‌ریختگی، رشد شخصی، سرزنش و خشم، رفتار وحشت‌زدگی، کناره‌گیری و ناامیدی، به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته (ملاک)، یعنی سلامت روان کودکان و نوجوانان است



چکیده پژوهش دوم

مقدمه: عواقب بیماری همه گیر کروناویروس ۱۳۹۸ انکارناشدنی است و به مثابه یک رویداد مهم مراقبت های بهداشتی به گسترش احساس اضطراب، افسردگی، ترس و نگرانی های مزمین بین کودکان منجر شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی تراپلی بر نشانه های افسردگی و سوگ کودکان داغ دیده در همه گیری کروناویروس ۱۳۹۸ انجام شد. روش بررسی پژوهش حاضر نیمه آزمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کودکان ۷ تا ۱۱ ساله بدون پدر در سال ۱۴۰۰ در شهر یزد بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۰ کودک-والد بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه شاهد و آزمایش قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۴۵ دقیقه ای به صورت هفتگی آموزش تراپلی را به صورت حضوری دیدند، ولی گروه شاهد مداخله ای دریافت نکرد. گروه ها در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون به مقیاس سوگ طولانی کودکان اسپویج و همکاران (۲۰۱۳) و مقیاس افسردگی کودکان کواکس (۱۹۷۷) پاسخ دادند. تحلیل داده ها نیز با نسخه ۲۶ نرم افزار اسپاس و با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیری (آنکوا) انجام شد. یافته ها بر اساس نتایج به دست آمده، اثر اصلی متغیر درمان بر نمره های نشانگان افسردگی و سوگ پس آزمون معنادار است همچنین، نتایج نشان داد، میانگین نمره های تعدیل شده پس آزمون نشانگان افسردگی و سوگ در گروه آزمایش، کمتر از گروه شاهد است. اثربخشی بازی درمانی (تراپلی) بر نشانه های افسردگی و سوگ کودکان داغ دیده در همه گیری کرونا و بروس ۱۳۹۸ ندا دیده بان؛ سید علیرضا افشانی، (۱۴۰۲). اثربخشی بازی درمانی (تراپلی) بر نشانه های افسردگی و سوگ کودکان داغ دیده در همه گیری کروناویروس ۱۳۹۸. طلوع بهداشت.

نتیجه گیری: بنابر یافته های پژوهش، بازی درمانی برای کاهش نشانگان اختلال سوگ در کودکان داغ دار مؤثر است و شیوه آموزشی به کار گرفته شده، الگویی مناسب برای برخورد با این کودکان ارائه داده است.

چکیده پژوهش سوم

از دست دادن والد یا والدین رویدادی آسیب زاست و پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت سبب کاهش سلامت روان نوجوان می شوند. هدف این پژوهش پیش بینی تجربه سوگ والد بر اساس سبک اسنادی در دانش آموزان دختر، با میانجیگری بهزیستی روان شناختی بود.

روش کار: روش پژوهش توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش آموزان دختر تک والد در دوم متوسطه شهر کرمانشاه در نیم سال تحصیلی اول و دوم سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۷۵۰ تن بود. ۲۸۳ تن به روش تصادفی خوشه ای انتخاب و وارد پژوهش شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه جمعیت شناختی، پرسش نامه تجربه سوگ^۱، پرسش نامه سبک اسنادی^۲ و مقیاس بهزیستی روان شناختی، نسخه تجدیدنظر شده^۳ استفاده شد. روایی محتوای ابزارها به روش کیفی و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ اندازه گیری شد. برای تحلیل داده ها از الگوی معادلات ساختاری و نرم افزارهای اسپاس پی اس ۲۴ و آموس ۲۴ استفاده شد.

یافته ها: ضریب مسیر غیر مستقیم بین سبک اسناد منفی و سوگ $\beta = 0.05, P > 0.05$ ، 0.226 ، مثبت و ضریب مسیر غیر مستقیم بین سبک اسناد مثبت و سوگ $\beta = 0.05, P > 0.05$ ، -0.221 ، منفی و در سطح ۵٪ معنادار بود.

نتیجه گیری: اسنادهای مثبت و منفی با

میانجیگری بهزیستی روان شناختی، سوگ را پیش بینی می کند. بنابراین، پیشنهاد می شود در مدرسه ها برای کاهش سوگ در دانش آموزان تک والد سبک های استناددهی و بهزیستی روان شناختی آن ها تقویت شود.

پیش بینی تجربه سوگ والد بر اساس سبک اسنادی در دانش آموزان دختر، با میانجیگری بهزیستی روان شناختی سمیه، شیرمحمدی؛ رضا، خاک پور؛ مژگان، نیکنام (۱۴۰۲). پیش بینی تجربه سوگ والد بر اساس سبک اسنادی در دانش آموزان دختر، با میانجیگری بهزیستی روان شناختی. مدیریت ارتقای سلامت

پی نوشت ها

1. Grief Experience Questionnaire
2. Attributional Style Questionnaire)
3. Psychological Well-Being Scale-Revised



بنا بر یافته های پژوهش، بازی درمانی برای کاهش نشانگان اختلال سوگ در کودکان داغ دار مؤثر است



خبر دردناک

دانش‌آموزان کلاسی که در زمان کرونا

معلم خود را از دست داده بودند

زهرا اسدی

دبیر ریاضی

شدم. چند دقیقه به گوشی خیره بودم و واقعاً شوکه شده بودم.»

صبا: «در خانه نشسته بودم. در گروه مدرسه این خبر را دادند. بعد مامانم فقط گفت خانم معلم دیگر بین ما نیست.»

درباره احساساتتان در آن شرایط صحبت کنید. اینکه شما چه کار کردید و مدرسه برایتان چه کاری انجام داد؟

زهرا: «برای عزاداری و مراسم، چون اوج کرونا بود، مدرسه نتوانست کاری کند. فقط در گروه‌های درسی ختم قرآن و صلوات برایمان گذاشتند و ما خیلی گریه کردیم. این تنها کاری بود که در آن دوران می‌توانستیم انجام بدهیم.»

محیا: «دوران خیلی سختی بود. هنوز هم وقتی یادش می‌افتم، بغض گلویم را می‌فشارد. به‌صورت مجازی، ختم قرآن و صلوات و فاتحه برای معلممان گرفتیم. چون یک هفته مانده بود به آزمون‌های مدرسه‌های نمونه و تیزهوشان، از ما خواهش کردند خودمان را کنترل کنیم و تمرکزمان روی درس‌هایمان باشد، چون معلم عزیزمان هم دوست داشت که موفق باشیم و بعد از آزمون عزاداری کنیم.»

فاطمه‌سادات: «اصلاً نمی‌توانستم کاری کنم. فقط شوکه بودم. گروه درسی‌مان پر شده بود از چسبانقش (استیکر) قلب مشکی. بالاخره بعد از چند ساعت بغضم شکست و گریه کردم. مدرسه فقط یک مراسم مجازی برایمان برگزار کرد. در گروه هم از ما خواستند برای معلممان دعا کنیم و قرآن بخوانیم.»

قرار است امروز گزارشی داشته باشیم در مورد یک معلم خیلی مهربان و فداکار که در یک مدرسه دخترانه در پایه ششم تدریس می‌کرد. ایشان در خرداد سال ۹۹، بعد از بستری در بیمارستان، به دلیل بیماری کرونا، فوت کرد. دانش‌آموزان ایشان امسال پایه نهم هستند و از خاطراتشان از آن روزهای سخت می‌گویند.

یادتان هست این خبر بد را چگونه دریافت کردید؟

زهرا: «مثل اینکه مادر یکی از بچه‌ها به مامانم گفته بود و مامانم هم به من گفت.»

ملیکا: «از یک هفته یا شاید هم ۱۰ روز قبل می‌دانستم که حالشان خوب نیست و در بیمارستان بستری هستند. ولی هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردم بیماری ایشان به فوتشان تبدیل شود. خبر دردناک سفرشان به خانه ابدی را از یکی از معلم‌ها و کارکنان مدرسه شنیدم. الان سه سال از آن روز می‌گذرد و درک این موضوع برای من و دیگر دوستانم دشوار است.»

محیا: «آن روزها، به دلیل کرونا، کلاس‌ها مجازی بودند. در گروه کلاسی‌مان این خبر را دادند. من به شدت ناراحت شدم و گریه کردم.»

فاطمه‌سادات: «بعد از یک ساعت، یکی از بچه‌ها که دوست صمیمی‌ام بود، با من تماس گرفت و گفت خانم فوت کرده است.»

زهرا: «دخترشان در گروه واتساپ به ما گفتند برای شادی روح مادرم صلوات بفرستید و ما متوجه شدیم ایشان از بین ما رفته است.»

زهرا سادات: «من در گروه درسی‌مان موضوع را متوجه



چون آزمون‌های مهمی در پیش دارید. ما نزدیک به آزمون بودیم. او از ما خواست سعی کنیم روی احساساتمان کنترل داشته باشیم. یادآوری آن روزهای دشوار سخت‌ترین کار دنیاست.»

صبا: «خیلی حالم بد بود. فردای آن روز کلاس داشتیم. آن قدر ناراحت بودیم که هیچ کس حتی به بقیه سلام نمی‌کرد. همین‌طور وارد می‌شد و می‌رفت می‌نشست یک گوشه و گریه می‌کرد. شب اول که همه‌اش گریه کردم. سعی کردم با دوستانم حرف بزنم و آرام شوم، ولی خب حال همه‌مان بد بود و هیچ کس نمی‌توانست حالمان را خوب کند.»

روح این معلم عزیز و همهٔ معلم‌های آسمانی شاد!

زهره: «واقعاً حس خیلی بدی بود که بخواهی باور کنی معلمی با آن همه مهربانی دیگر بین ما نیست! وقتی خبر را شنیدم، واقعاً از صمیم قلبم ناراحت شدم، ولی بعد با خودم گفتم ایشان الان حتماً جایش خوب است. دخترش به ما گفت اگر می‌خواهید روح مادرم شاد بشود، درس‌هایتان را بخوانید تا آدم‌های موفق شوید.»

زهره سادات: «نمی‌دانستیم احساساتمان را چطور خالی کنیم. آن قدر به خانم وابسته بودیم که تصور نبودنش محال بود. شاید زمانی که با دوستانمان در این رابطه صحبت می‌کردیم، کمی از غم و اندوه بزرگمان کم می‌شد! مدیر مدرسه به ما گفت فعلاً به درس خواندن ادامه دهید،



مرتضی شمس آبادی
آموزگار و نویسنده



شهدا به گفت و گو با هم کلاسی هایشان بنشینم و بعد از آن، اخبار و گزارش‌ها و مصاحبه‌ها را مرور کنم. به نظرم رسید نداشتن پیش‌فرض و تلقی و آمادگی ذهنی و شناختی، کمک بیشتری می‌کند به اینکه به شناخت بهتری از این شهدا برسیم. نمی‌خواستم هر چه را می‌بینم، می‌شنوم و می‌فهمم به دانسته‌ها و خوانده‌های پیشین متصل کنم.

شهید محمدرضا کشاورز

صبح چهارشنبه به مدرسه شاهد سید احمد خمینی شیراز رسیدیم. مراسم بزرگداشت شهدا با حضور مسئولان آموزشی و استانی در حال برگزاری بود و ما برای صحبت با دانش‌آموزان پایه دهم باید صبر می‌کردیم.

بچه‌ها کم‌کم شروع کردند به حرف زدن؛ محمدرضا کشاورز، دانش‌آموز پایه دهم مدرسه شاهد سید احمد خمینی، شهر شیراز. کشاورز بچه درس‌خوان و شاگرد اول کلاس، آن هم از نوع مؤدب و دوست‌داشتنی‌اش. محمدرضا از این زمره است. این را می‌شود در علاقه هم کلاسی‌هایش به او و بی‌گلابه‌بودنشان از او دید.

دوستی تماس گرفت و گفت: «عازم شیراز و کرمان هستیم برای روایت شهدای دانش‌آموز حرم حضرت شاهچراغ، می‌آیی؟» داستان بچه‌ها را گفت. آنچه را می‌دانست و از خبرها شنیده بود، برای من از همه جایی خبر تعریف کرد و ماجرای سفر و شهادتشان را در یک دقیقه خلاصه کرد و مرا در هم شکست. چه باید می‌گفتم؟! من اگر نمی‌رفتم، من اگر نمی‌نوشتیم، من اگر راوی دانش‌آموزان نمی‌شدم، چه کسی باید این کار را می‌کرد؟! نه اینکه کسی نبود که در این سفر دوست ما را همراهی کند، نه!

اینجا دیگر جای چشم‌پوشی نبود. فرصتی بود که باید قدرش را می‌دانستم و وظیفه‌ام را به حد توان انجام می‌دادم. ظهرگاه دوشنبه بود که برای رفتن به این سفر اعلام آمادگی کردم و عصرگاه، رفتنمان قطعی شد. دوشنبه شب و سه‌شنبه در تدارک کارهای سفر بودم. صبح چهارشنبه عازم شدیم. در اولین دیدار، هم کلاسی‌های محمدرضا، آرشام و علی‌اصغر را دیدیم و از دل حرف‌هایشان، از دل حرف‌های معلم‌ها و مدیرهایشان این سه طفل حقیقتاً معصوم را شناختم. واقعا سخت بود که بدون داشتن پیش‌زمینه ذهنی خاصی از این

- برای من هم سوغاتی می‌آوری؟

- بله!

- و ...

محمدرضا کشاورزهای درس خوانی که آینده‌ی این کشورند، همان‌قدر آسمانی‌اند و هنوز هم در مدرسه‌ی شاهد هستند. آرشام سرایداران‌های باحیا، سرآمد و با استعداد هنوز هم در شهدای شوش هستند و علی‌اصغر گویینی‌های معصوم در مدرسه‌ی کعبه.

این روایت من بود، از شهادت کودکانی که به‌خاطر عصمتشان شهید شدند و خونی که هنوز هم جاری است!

۲۲ و ۲۳ و ۲۴ آبان ۱۴۰۱

بچه‌ها چندین بار به این مطلب اشاره کردند که او در درس به بچه‌ها کمک می‌کرد و اشکالات آن‌ها را برطرف می‌ساخت. مکبر هم بود

شهید آرشام سرایداران

وارد ساختمان و راهروی مدرسه که شدیم، تمام ایده‌ها و فکرهايمان را از یاد بردیم. دیوار سالن، روی تابلوهای اعلانات و ریسمان‌هایی که کشیده شده بودند، پر بود از نقاشی‌ها، دل‌نوشته‌ها، انشاها و نامه‌ها و پوسترهایی درباره‌ی آرشام. سرایداران، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم شهدای شوش بود.

چه باید می‌گفتیم؟ حرفی برای گفتن نمانده بود. گفتنی‌ها را بچه‌ها پیش از آنکه ما از ایشان بخواهیم گفته بودند. نقاشی‌ها را کشیده و پوسترهایشان را نصب کرده بودند.

آرشام سرایداران، دومین فرزند خانواده که یک خواهر بزرگ‌تر و برادری کوچک‌تر به نام آرتین دارد، همانند محمدرضا دانش‌آموزی درس‌خوان بود. خواهر آرشام به‌تازگی در دانشگاهی در تهران قبول می‌شود و برای رسیدن به کلاس‌های حضوری به آنجا می‌رود. دوازدهم آبان جشن عروسی خواهر است. آرشام برای این عروسی ذوق و شوق زیادی دارد.

آرتین با تمام کودکانگی‌اش می‌گوید که در حال بازگشت و رفتن به‌سمت ماشین‌شان بوده‌اند که صدای شلیک می‌آید. اول پدرش تیر می‌خورد، بعد آرشام و مادر. خودش هم مجروح می‌شود. آرتین می‌ماند و وابستگی شدیدش به پدر.

شهید علی‌اصغر لری گویینی

روستای چاه قوسکی شهر سیرجان استان کرمان است. در مسیر فکر کردیم علی‌اصغر چه مسیر طولانی‌ای را برای زیارت شاهچراغ طی کرده است! این همه راه از سیرجان را تا کرمان رفته است که زیارت کند و آخر...!

وارد روستا می‌شویم و تقریباً در آخرین ردیف از بناهای روستا، در آن انتها، به مدرسه‌ی عشایری «کعبه» می‌رسیم. به مدرسه‌ای که تنها پنج نفر در کلاس بودند و روی نیکمت عکس دانش‌آموزی که دیگر نیست. غم همه‌شان سنگین است. شهادت همه‌شان غم دارد، اما گمانم خیلی فرق می‌کند در کلاسی باشی که بیست هم‌کلاسی داشته باشی و از یک روز به بعد، یکی از آن میان کم شود، با وقتی که تنها شش نفر باشی و دیگر یکی را نتوانی ببینی. جای خالی علی‌اصغر، پشت نیمکتش، خیلی به چشم می‌آمد؛ خالی‌تر از جای آرشام در کلاس شهید سرایداران و محمدرضا در کلاس ۱۰۴.

سه شنبه، ظهر که می‌شود، علی‌اصغر به معلمش می‌گوید که می‌خواهد به سفر برود.

- کجا می‌خواهی بروی علی‌اصغر؟

- می‌خواهم بروم شیراز زیارت.



وقتی فاجعه رخ می‌دهد، وظیفهٔ مدرسه چیست؟

مترجم: آیدا جعفری



اتفاقات دل‌خراش ناگزیر به وقوع می‌پیوندند؛ مرگ فرزندان، والدین یا خودکشی نوجوان. اما معلمان باید پس از چنین اتفاقات غیرمنتظره‌ای با دانش‌آموزان خود روبه‌رو شوند. در این مقاله، به گفت‌وگو با مسئولان آموزشی و روان‌شناسانی پرداخته شده است که در مواجهه با مرگ، خودکشی و قتل به دانش‌آموزان کمک کرده‌اند. همچنین، نکاتی برای معلمان و مدیران در رسیدگی به شرایط مرگ یک دانش‌آموز ارائه شده‌اند.

احساساتشان را ایجاد کنند. به نظر او، کمک به دانش‌آموزان در مهار احساسات دربارهٔ مرگ آسان نیست: «مهم‌ترین نکته این است که معلم صادقانه احساس دانش‌آموز را بپذیرد و به او اجازه دهد محدودهٔ وسیعی از احساسات را تجربه کند. اغلب معلمان و مدیران به دانش‌آموزان فرصت ابراز احساساتشان را نمی‌دهند، در صورتی که در این شرایط حتی باید برنامهٔ درسی را کنار گذاشت.»

او اضافه می‌کند، در واقعیت، بیشتر مدرسه‌ها مشاور کافی برای کمک به دانش‌آموزان زیادی را که با مرگ هم‌کلاسی خود مواجه شده‌اند، ندارند و اکثر مراکز مشاوره، توانایی کافی برای مشاوره به بیشتر از ۳۰ دانش‌آموز داغ‌دیده را ندارند. بنابراین، معلم کلاس مسئولیت کمک به دانش‌آموزان درگیر با مصیبت را بر عهده دارد.

فرصت‌ها را از دست ندهید.

پولند توصیه‌های خود را براساس تجربهٔ بیست ساله‌اش در جایگاه یک روان‌شناس مدرسه و عضو تیم ملی کمک‌های اضطراری (در انجمن ملی روان‌شناسان

یک مربی تیم فوتبال خود را حلق‌آویز می‌کند. یک دانش‌آموز معروف در حادثهٔ اسکی جان خود را از دست می‌دهد. دو پسر بچه دورهٔ متوسطه، ۱۲ هم‌کلاسی و معلم خود را به قتل می‌رسانند. یک دانش‌آموز پایه‌اولی در اثر سرطان می‌میرد. یک دختر بچهٔ ده‌ساله ربوده می‌شود و پیکر او را شش هفته بعد پیدا می‌کنند ...

این فاجعه‌ها رخ می‌دهند، اما زنگ مدرسه‌ها هنوز به صدا درمی‌آیند و معلمان باید با دانش‌آموزان خود روبه‌رو شوند و در تأمل به تمام سؤال‌های بی‌پاسخ پیش‌آمده به آن‌ها کمک کنند.

تمرکزتان روی کلاس باشد.

اسکات پولند، رئیس انجمن ملی روان‌شناسان مدرسه، می‌گوید: «من معتقدم که بیشتر اقدامات پس از فوت، باید در کلاس درس و توسط معلمان آموزش‌دیده و توانمند و با حضور کارکنان پشتیبانی هدایت شود.» او توضیح می‌دهد که مدیران در زمان وقوع فاجعه، در ایجاد شرایط مناسب برای کمک به مسئولان و دانش‌آموزان نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. آن‌ها باید برای همهٔ افراد درگیر، فرصت بیان



«مدیریت احساسات وقتی تأثیر مرگ بر مدرسه چیره شده است»^۲ درباره اینکه معلمان و مدیران چگونه می‌توانند در زمان فاجعه به دانش‌آموزان کمک کنند، پیشنهادهایی ارائه داد:

- تأثیر مرگ را دست کم نگیرید.
- به سرعت به کمک‌های عاطفی بپردازید. هر چه کمک سریع‌تر باشد، کنار آمدن بهتر حاصل می‌شود.
- در ابتدا یک فرصت اجباری برای درک به کارکنان آموزشی بدهید.
- برای والدین یک جلسه برگزار کنید.
- تا حد امکان واقعیت‌ها را به اشتراک بگذارید.
- فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان و کارکنان آموزش ایجاد کنید تا درباره احساسات خود صحبت کنند.
- پیامدهای بلندمدت را شناسایی کنید.
- در صورت لزوم، برنامه درسی را کنار بگذارید و امتحان‌ها را به تأخیر بیندازید.

میزان آسیب پس از فوت را ارزیابی کنید
پولند اشاره کرد، قبل از دیدار با دانش‌آموزان، مسئولان

مدرسه (بنا کرده است. او به عنوان عضوی از این تیم، پس از بمب‌گذاری در شهر اوکلاهاما و نیز تیراندازی در مدرسه‌های کنتاکی، آرکانزاس و کلرادو، به دانش‌آموزان و معلمان کمک کرده است.

رایج‌ترین اشتباهی که مدرسه‌ها در زمان وقوع مصیبت مرتکب می‌شوند، این است که هم تأثیر اولیه حادثه و هم تأثیر بلندمدت آن را نادیده می‌گیرند. پولند می‌گوید: «چند معلم، صبح بعد از خودکشی یکی از دانش‌آموزان خود، از من پرسیدند آیا می‌خواهم با هم کلاسی‌های متوفی قبل از امتحان صحبت کنم، یا بعد از آن؟» «پیامدهای هر فاجعه - مانند تصادف، قتل یا خودکشی، که از علل اصلی مرگ‌ومیر در کودکان هستند، فرصتی ایجاد می‌کنند تا بر تلاش‌های پیشگیرانه بیفزایند تا از میزان مرگ‌ومیر در آینده کاسته شود.»

چگونه مدیریت عاطفی داشته باشیم؟

به نظر پولند، روشی که مسئولان هر مدرسه شرایط بحران یا مرگی را مدیریت می‌کنند، با چگونگی کنار آمدن دانش‌آموزان رابطه مستقیم دارد. او در مقاله خود با عنوان



نظریه در عمل

زمستان گذشته، مسئولان دبیرستان گلستنبی مجبور شدند این نظریه را برای کمک به دانش آموزان به کار ببرند تا آن‌ها با مرگ یک دانش آموز محبوب پایه آخری کنار بیایند. مقامات مدرسه از کلاس رویدادهای جاری استفاده کردند که هر روز در اولین ساعت مدرسه برگزار می‌شد و برای تمامی دانش آموزان سال آخر اجباری بود. **دنیل دال**، معلم مطالعات اجتماعی و یکی از مدرسان این کلاس، عنوان کرد که این کلاس فرصتی فراهم کرد تا تیم مدیریت بحران مدرسه (دو روان‌شناس و مددکار اجتماعی مدرسه)، بتوانند هم‌زمان همهٔ ۴۰۰ دانش آموز پایهٔ آخر را ملاقات کنند.

نوجوان فوت‌شده، در حین یک سفر تفریحی اسکی که کلیسا ترتیب داده بود، کشته شد. کشیش کلیسا که هنگام وقوع حادثه همراه دانش آموز بود، به دانش آموزان توضیح داد چه اتفاقی افتاده است.

مسئولان مدرسه دو برگهٔ رنگی به دانش آموزان دادند و از آن‌ها خواستند هر خاطره‌ای را که از دانش آموز کشته‌شده دارند، روی یکی از برگه‌ها بنویسند. قرار بود همهٔ آن‌ها در سالنامهٔ مدرسه قرار گیرند. دانش آموزان همچنین از برگه‌ای دیگر برای نوشتن پیام همدردی با والدین مرحوم استفاده کردند.

این معلم افزود، دانش آموزان موسیقی موردعلاقهٔ دانش آموز فوت‌شده را پخش کردند. صدای او را به یک مزار کوچک تبدیل و محل نشستن او را با گذاشتن گل و یادداشت پر کردند. او گفت: «ما از آن موقعیت هم برای بزرگداشت زندگی و هم سوگواری از دست دادن دانش آموز استفاده کردیم و به دانش آموزان گفتیم سوگواری اشکالی ندارد. این کاری است که می‌توانیم انجام دهیم. این کار به ما کمک زیادی کرد.»

وی ادامه داد: «علاوه بر این، مدرسه به دانش آموزان اجازه داد در مراسم تدفین شرکت کنند.» همچنین، این مدرسه برای کمک به دانش آموزانی که برای رویارویی با مرگ دچار مشکل بودند، یک گروه حمایتی تشکیل داد.

آدم‌ربایی و قتل

یک مدرسهٔ ابتدایی در مرکز پنسیلوانیا، در شرایط کمک به دانش آموزانی قرار گرفت که باید با سه قتل کنار می‌آمدند: یک نفر از هم‌کلاسی‌ها و دو نفر از والدین. مدرسه مدتی قبل از وقوع این حوادث، یک تیم مدیریت بحران و نیز دستورالعمل‌هایی برای استفاده در مواقع ضروری ایجاد کرده بود.

مدرسه ابتدا باید میزان تأثیر مرگ روی دانش آموزان را ارزیابی کنند. او چندین سؤال برای مسئولان مدرسه طرح می‌کند تا به آن‌ها درک بهتری از مرگ بدهد و به مدیران نیز کمک کند در صورت نیاز، کمک‌های خارجی را بررسی کنند. سؤال‌های طرح‌شده برای کمک به کارکنان مدرسه در ارزیابی میزان آسیب، شامل این موارد است:

• **چه کسی فوت کرده است؟** افراد معروف و شناخته‌شده تأثیر بیشتری بر جامعهٔ مدرسه دارند.

• **چه اتفاقی برای مرحوم افتاده است؟** وقتی کودکان به بیماری بی‌علاجی مبتلا هستند، مدرسه می‌تواند دانش آموزان را برای مواجهه با مرگ آماده کند. اما در مورد مرگ‌های غیرمنتظره، به‌خصوص قتل و خودکشی، ممکن است کارکنان در برابر دانش آموزان چالش‌های بیشتری را تجربه کنند.

• **مرگ در کجا رخ داده است؟** اگر مرگ در محوطهٔ مدرسه رخ داده باشد، ممکن است کنار آمدن با مصیبت دشوارتر باشد. مدرسه‌ها باید هرچه سریع‌تر از سر گرفته شوند تا جامعهٔ مدرسه با یکدیگر از بحران عبور کنند. همچنین، متخصصان سلامت روان شرایط کمک به دانش آموزان و سایر افراد را هموارتر می‌کنند.

• **آیا بحران یا حادثهٔ دیگری نیز بر مدرسه تأثیر گذاشته است؟** فاجعه‌های دیگری را که قبلاً رخ داده و ممکن است حل نشده باشند، در نظر بگیرید.

• **چه کسی عامل حادثه بوده است؟** اگر عامل فاجعه یک دانش آموز باشد، ممکن است پاسخ به چراهای پیش آمده برای مسئولان و دانش آموزان سخت‌تر باشد.

برندا کی. فریزر، روان‌شناس مدرسه و عضو تیم مدیریت بحران مدرسه حادثه‌دیده که ۷۰۰۰ دانش‌آموز دارد، عنوان کرد، مهم‌ترین کاری که در هر بحران باید انجام داد، پایداری به حقایق است. او گفت: «از شایعات پیروی نکنید. ما در هر مرحله از آدم‌ربایی با پلیس همکاری کردیم.»

وقتی مقامات مدرسه متوجه شدند یک دانش‌آموز ده‌ساله ربوده شده است، در ابتدا تیم بحران به تک‌تک کلاس‌ها سر زد. شش هفته پس از پیداشدن پیکر کودک توسط کوهنوردان، این تیم بار دیگر به دیدار دانش‌آموزان رفت.

فریزر گفت: «آدم‌ربایی موردتوجه عموم و بسیاری از رسانه‌ها قرار گرفت. در طی این شش هفته، اطلاعاتیهایی را به خانه‌های والدین فرستادیم تا وضعیت را توضیح دهیم. همچنین، تا زمان پیداشدن کودک، بیانیه‌هایی را برای رسانه‌ها آماده کردیم.»

تیم بحران ابتدا به دیدار معلمان رفت و برای آن‌ها توضیح داد که کودکان چگونه به اخبار شوکه‌کننده واکنش نشان می‌دهند. «کودکان مانند معلمان و والدین واکنش نشان نمی‌دهند. اعضای این تیم از معلمان خواستند مراقب علامت‌های فشار روانی و افسردگی در دانش‌آموزان باشند. در چنین موقعیتی، دانش‌آموزان نه تنها با غم از دست دادن هم‌کلاسی خود روبه‌رو هستند، بلکه ممکن است از خود بپرسند: «آیا ممکن است این اتفاق برای من هم بیفتد؟» حادثه دیگر به مرگ والدین دو دانش‌آموز پایه‌های دوم و چهارم مربوط بود که در یک قتل یا خودکشی نقش داشتند. فریزر تأکید می‌کند، اگر معلمی درباره شرایط قادر به صحبت با دانش‌آموزان نیست، باید آن را به مشاور واگذار کند. «اگر معلمان برای صحبت با دانش‌آموزان راحت نیستند، بیش از هر چیز نباید از درخواست کمک بترسند. گریه برای آن‌ها ایرادی ندارد، اما هیستریک بودن خوب نیست.» او افزود، بدترین چیز برای رویارویی با دانش‌آموزان، مدیریت نکردن صحیح غم و اندوه در مقابل آن‌هاست.

معلمان باید در مورد احساسات خود و آنچه اتفاق افتاده است، صادق باشند. «معلمان باید به دانش‌آموزان بگویند که نمی‌دانند دلیل این اتفاق چیست، اما گاهی رخدادهای ناگوار هم اتفاق می‌افتند.» او توصیه می‌کند باید از لحن صحیح استفاده شود. برخی از عبارت‌هایی که بزرگسالان به کار می‌برند، ممکن است کودکان را گیج کند. به جای جمله‌هایی مانند «آن‌ها در خواب هستند» یا «در بهشت خوابیده‌اند»، بگویید آن‌ها مرده‌اند. زیرا ممکن است فکر کنند آن فرد به‌طور موقت در خواب است.

آمار و واقعیت‌ها

* اگرچه خشونت در مدرسه نادر است، اما در مورد مرگ کودکان این‌طور نیست. به گفته مرکز مهار و پیشگیری از بیماری‌ها، در سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۷۰۰۰ کودک در سن مدرسه جان خود را از دست دادند.

* طبق گزارش این مرکز، میزان مرگ‌ومیر دانش‌آموزان دوره متوسطه معمولاً به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد، زیرا آن‌ها در رفتارهای پرخطر شرکت دارند. تصادف رانندگی و سایر تصادف‌ها، قتل و خودکشی و مصرف مواد از دلایل اصلی مرگ‌ومیر نوجوانان هستند.

راه‌های کمک به مدیران در مواجهه با مرگ

اسکات پولند، رئیس انجمن ملی روان‌شناسان مدرسه‌ها و نویسنده کتاب *مواجهه با بحران، درس‌ها و پیشنهادهایی* را برای مدیران ارائه کرده است:

- از طریق تماس با منابع معتبر، مانند پلیس یا یکی از بستگان، صحت اطلاعات را بسنجید.
- با استفاده از راه‌های ارتباطی مدرسه، به خانواده‌های همه دانش‌آموزان اطلاع دهید.
- اگر مرگ در زمان برگزاری کلاس‌ها رخ داده است، یک یادداشت را که شامل جزئیات کامل رخداد است، به دست اعضای کارکنان آموزش برسانید.
- در یادداشت خود، پیشنهادهایی را برای کمک به دانش‌آموزان مطرح کنید.
- تأثیر مرگ روی دانش‌آموزان و سایر اعضا را دست‌کم نگیرید.
- به کارکنان مدرسه فرصتی بدهید تا با دیگر همکاران خود (هم از لحاظ عاطفی و هم منطقی) مسائل را بررسی کنند.
- با معلمان و والدین جلسه‌ای برگزار کنید، زیرا آن‌ها در بهترین موقعیت برای کمک به کودکان قرار دارند.
- یک شخص را به‌عنوان رابط رسانه‌ای تعیین کنید که هم مهار رسانه‌ها (مثل جلوگیری از ورود آن‌ها به مدرسه در طول بحران و بلافاصله پس از آن) را به عهده بگیرد و هم برای ارائه اطلاعاتی که رسانه‌ها برای گزارش به آن نیاز دارند، با آن‌ها در ارتباط باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. از مقاله When Teragedy Strikes: What Schools Should Do

Educationworld در سال ۲۰۱۴ در وبگاه

منتشر شده است.

2. Managing Emotionality When Death Affects Your School, July 2000

سوگ را به عقب بران!

سید میثم موسوی
تصویرگر

نویسندگان: الته‌دایر گراو،
کری دایر گراو، مارتینلا جیا
ترجمه و تلخیص آذر لاریجانی



بتوانند به‌خوبی مراقب بازگشت آن‌ها به مدرسه باشند. این مراقبت شامل هم‌کلاسی‌ها و دوستان و نحوهٔ صحبت در مورد از دست‌دادن نیز می‌شود. داشتن روابط خوبی که بتواند پس از فقدان از کودک حمایت کند، ممکن است به‌طور قابل‌توجهی از مواجهه با چالش‌های بعدی بکاهد. در اسکاندیناوی بر مدرسه‌هایی که چنین حمایتی را ارائه می‌کنند، تمرکز زیادی بوده است. همهٔ نویسندگان این مقاله با توسعه و بررسی این سامانه‌های پشتیبانی کار کرده‌اند. در این مقاله دربارهٔ چالش‌های سوگ و سپس چگونگی حمایت سودمند از کودکان داغ‌دیده صحبت می‌شود.

کاهش عملکرد تحصیلی

یکی از چالش‌های مهم، افت تحصیلی دانش‌آموز مصیبت‌دیده است. بسیاری از معلمان گزارش کرده‌اند که به‌دنبال از دست‌دادن یکی از اعضای خانواده، ممکن است عملکرد تحصیلی کاهش یابد. دانش‌آموزان سوگوار غالباً دچار مشکل تمرکز و حافظه می‌شوند که به مشکلات یادگیری منتهی می‌شود. کاهش انگیزه نیز ممکن است بر عملکرد تحصیلی تأثیر بگذارد. زیرا ممکن است متوفای کسی بوده که قبلاً دانش‌آموز را برمی‌انگیخته و حال که به‌طور ناگهانی چنین حمایتی از بین رفته است، کودک نمی‌تواند با آن کنار بیاید و دچار افت تحصیلی می‌شود.

کودک همچنین ممکن است به مرگ خود نیز فکر کند و دربارهٔ آن نگران شود و با خود بگوید: «چه فایده‌ای دارد که برای انجام تکلیف مدرسه این‌همه انرژی صرف کنم، در حالی که ممکن است به‌زودی بمیرم؟»

از نظر اجتماعی نیز محتمل است کودکان از دیگران دوری کنند، زیرا نمی‌دانند چگونه دربارهٔ فقدان صحبت کنند. این کاهش ارتباط می‌تواند همکاری در انجام تکلیف کلاسی و شرکت در فعالیت‌های گروهی را ضعیف کند.

حال با حمایت اصولی و با داشتن پاسخ ساختاریافته می‌توان از بخش قابل‌توجهی از این چالش‌ها کاست.

هر ساله هزاران دانش‌آموز از دست‌دادن یکی از عزیزان خود را تجربه می‌کنند. در طول این زمان دشوار، ضروری است مسئولان مدرسه از شیوهٔ پشتیبانی و حمایت اصولی از آنان درک درستی داشته باشند. در این مقاله، براساس تجربه‌هایی از این موضوع در اسکاندیناوی، توصیه‌هایی عملی برای حمایت مفید از دانش‌آموزان ارائه می‌شوند.

مقدمه

بسیاری از کودکان در دوران کودکی و نوجوانی خود از دست‌دادن خواهر یا برادر یا فردی از دوستان و اقوام خود را تجربه می‌کنند. عوامل زیادی واکنش‌های مربوط به سوگ را تعیین می‌کنند؛ از جمله اینکه کودک چه کسی را از دست داده و رابطهٔ بین کودک و متوفای چگونه بوده است. شخصیت کودک و محیط مراقبت از او نیز در واکنش او به کنار آمدن با فقدان تأثیرگذار است. واکنش دانش‌آموزان بزرگ‌تر ممکن است نشان‌دهندهٔ درک آن‌ها از پیامدهای بلندمدت از دست‌دادن والدین باشد. کودکان داغ‌دیده، با حمایت صحیح، با وجود تجربه‌ای به‌غایت سخت، در زندگی به‌خوبی عمل خواهند کرد.

غالباً مرگ والدین به بحرانی حاد در خانواده منتهی می‌شود. از طرف دیگر، کاهش عملکرد تحصیلی، کناره‌گیری اجتماعی و مشکلات رفتاری نیز در پی سوگ دوران کودکی گزارش شده‌اند. از نظر بالینی، واکنش‌های غم و اندوه، مانند اضطراب و عصبانیت، در طول زمان کاهش می‌یابد، اما خود غم، بیشتر از آنچه بسیاری از بزرگسالان انتظار دارند، طول می‌کشد.

به این ترتیب، چالش‌های پس از فقدان فقط به یک حوزه از زندگی کودکان محدود نمی‌شوند. بنابراین بسیار مهم است معلمانی در کنار این کودکان حضور داشته باشند که

چالش‌های پس از فقدان فقط به یک حوزه از زندگی کودکان محدود نمی‌شوند. بنابراین بسیار مهم است معلمانی در کنار این کودکان حضور داشته باشند که بتوانند به‌خوبی مراقب بازگشت آن‌ها به مدرسه باشند

این توجه نباید آن قدر باشد که احساس راحتی را در او از بین ببرد. با روشی محتاطانه و معتدل نشان دهید متوجه این ضایعه هستید و برای بهبودی و رهایی از اندوه سوگ، به او زمان کافی خواهید داد.

- در کلاس و با حضور دانش‌آموزان دیگر، درباره آنچه برای دانش‌آموز مصیبت‌دیده اتفاق افتاده است صحبت کنید تا درک مشترکی ایجاد شود. به این ترتیب، او احساس می‌کند مجبور نیست به تنهایی با این درد کنار بیاید. نحوه صحبت درباره موضوع را به گونه‌ای مدیریت کنید که پرسش‌های قابل قبول مطرح شوند و گفت‌وگو به گونه‌ای پیش برود که احساس انزوا و تنهایی در دانش‌آموز سوگوار از بین برود.

- مشخص کنید دانش‌آموز در صورت بروز غم در طول کلاس مجاز است چه کاری انجام دهد. آیا ترک کلاس برای مدتی مشکلی ندارد؟ آیا دانش‌آموز داغ‌دیده می‌تواند یکی از دوستان یا نزدیکانش را به همراه خود به کلاس بیاورد؟

- توجه داشته باشید دانش‌آموز سوگوار برای مدتی کاهش تمرکز را تجربه می‌کند و ممکن است غیبت او از مدرسه افزایش یابد. بنابراین، در مدرسه باید برای مدتی طولانی آمادگی کمک‌رسانی بیشتر به کودک سوگوار را داشته باشید.

ارتباط با همسالان

اغلب هم‌کلاسی‌های دانش‌آموز داغ‌دیده نمی‌دانند در مواجهه با او چه بگویند و چه کاری انجام دهند. بنابراین، او احساس می‌کند همسالانش وی را درک نمی‌کنند و از او دور می‌شوند. معلمان باید این دانش‌آموز را تشویق کنند خودش در مورد سوگ خود برای هم‌کلاسی‌هایش توضیح دهد. علاوه بر آن، گروه همسالان را راهنمایی کنید نحوه درست واکنش و ارتباط با کودک سوگوار را یاد



وظیفه مدرسه

پس از فقدان، مدرسه باید تلاش کند جوی دلسوزانه فراهم کند تا بازگشت دانش‌آموز مصیبت‌دیده به کلاس آسان‌تر شود. به این ترتیب که برای کارکنان خود آموزش‌های کافی در نظر بگیرد تا برای مواجهه با دانش‌آموز داغ‌دیده، ظرفیت، توانایی و تسلط کافی داشته باشند و پشتیبانی و حمایت اصولی و مؤثری ارائه کنند.

مواجهه با بازگشت

چالش‌های پس از فقدان به یک حوزه از زندگی کودک محدود نمی‌شوند. کودک هر جا می‌رود، غم و اندوهش را نیز همراه دارد. بنابراین، حضور معلمانی که بتوانند در بازگشت به خوبی از آن‌ها حمایت کنند، ضروری و مهم است. برای چنین دانش‌آموزانی، معلم با دانستن چند نکته و پیروی از چند دستورالعمل می‌تواند راه برگشت را هموار کند:

- دانش‌آموز داغ‌دیده به توجه معلم خود نیاز دارد، ولی



**پس از فقدان،
مدرسه باید
تلاش کند برای
کارکنان خود
آموزش‌های کافی
در نظر بگیرد
تا برای مواجهه
با دانش‌آموزان
داغ‌دیده، ظرفیت،
توانایی و تسلط
کافی داشته
باشند و پشتیبانی
و حمایت اصولی و
مؤثری ارائه کنند**



حمایت از دانش آموز در طول زمان

همیشه دشوارترین زمان برای دانش آموز غمگین، بلافاصله پس از فقدان اتفاق نمی افتد، بلکه غم ممکن است روزها یا ماهها بعد پیش بیاید. بسیاری از دانش آموزان داغ دیده احساس می کنند فقدان و درد آن ها بیشتر از چیزی است که اطرافیان شان تصور یا درک می کنند. مربیان یا معلمان لازم است به طور دائم پیگیر و مراقب دانش آموز باشند و از او پشتیبانی کنند. در ادامه پیشنهادهایی برای پشتیبانی مؤثر و مفید ارائه می شوند:

- بلافاصله پس از فقدان، یک برنامه پیگیری برای حمایت از او ایجاد کنید. مطمئن شوید این برنامه با همه معلمان به اشتراک گذاشته شود تا آن ها در ارتباط با وی، درک و نگرش مشترکی نسبت به او و سوگش داشته باشند.
- در شش ماه اول، جلسه های ماهانه ای تشکیل دهید تا با همفکری مطمئن شوید مدرسه در مواجهه با دانش آموز درست عمل می کند.
- به دانش آموز اجازه دهید در فعالیت هایی که احساس ناخوشایندی برایش ایجاد می کنند، شرکت نکند.
- اگر قرار است در کلاسی از موضوعی مرتبط با مرگ، بیماری جدی یا آسیب روحی صحبت شود، قبلاً با دانش آموز سوگوار صحبت کنید تا اگر نمی تواند تحمل کند، در کلاس حضور نداشته باشد و کار دیگری انجام دهد.
- در رویارویی با خشم و عصبانیت کودک داغ دیده ای که کلاس را مختل می کند، اختیار خود را از دست ندهید. به یاد داشته باشید، کودک غالباً از شما عصبانی نیست، بلکه از آنچه رخ داده ناراحت است. با او به آرامی صحبت کنید. تصدیق کنید می فهمید چرا عصبانی است.
- توجه داشته باشید که غم و اندوه خطی نیست. غالباً برای مدتی از بین می رود و ممکن است بازگردد. این امر به ویژه در دوره های حساس مانند روز فارغ التحصیلی، سالگرد درگذشت یا تولد متوفای بیشتر است. با اطلاع از این روزها و گفتگو با دانش آموز، به او کمک کنید این روزهای ویژه را با آرامش بگذراند تا کم کم به روال عادی زندگی برگردد.

ابتکارهای مدرسه ای

- با ادبیات حرفه ای در مورد سوگ به روز باشید.
- بپذیرید که بسیاری از دانش آموزان داغ دیده مشکلات مربوط به نداشتن تمرکز را تجربه خواهند کرد.



بگیرند. توصیه های بعدی به دانش آموزان کلاس کمک خواهد کرد با دوست سوگوار خود ارتباط درستی برقرار کنند:

- با دانش آموز سوگوار ارتباط برقرار کنید.

- نشان دهید به وقت گذراندن با او اهمیت می دهید، ولی زیاد کنجکاوی نکنید.

- از او بپرسید آیا می خواهد در مورد آنچه اتفاق افتاده است صحبت کند؟ برخی نمی خواهند، اما بعضی دیگر با به اشتراک گذاری اتفاق و نگرانی های خود آرام می شوند.
- دوستان را ترغیب کنید در فعالیت های اجتماعی مانند ورزش، معاشرت و پیاده روی شرکت کند. او را قانع کنید که این روش ها برای او آرام بخش خواهند بود.

سؤال های پرتکرار

اگر دانش آموز نمی خواهد در مورد سوگ صحبت کند، چه باید کرد؟ معلم یا یکی از کارکنان مدرسه باید درباره عواقبی که این سکوت برایش دارد، با او صحبت کنند. در صورت نیاز، استفاده از حمایت تخصصی مثل مشاوران، کارشناسان حمایت از سوگ یا روان شناسان توصیه می شود.

دانش آموز چه زمانی باید به مدرسه بازگردد؟ تجربه های حاصل از کار ما با کودکان سوگوار نشان می دهد که بازگشت زودهنگام بهتر است. با این حال، این بازگشت باید با توجه به واکنش های عاطفی و شخصیتی کودک سازمان دهی و برنامه ریزی شود. معلمان باید با جلب

حمایت دوستان صمیمی و همکلاسی های دانش آموز سوگوار در دوران دشوار پس از فقدان، به او کمک کنند آموزش و پشتیبانی لازم را دریافت و احساس پذیرش و آرامش کند.

آیا کارکنانی که خود موارد مشابه سوگ را تجربه کرده اند، می توانند حمایتگر خوبی باشند؟ ممکن است برای چنین افرادی سخت باشد مسئول اصلی

پشتیبانی دانش آموز باشند. اگر چنین است، اطمینان حاصل کنید شخص دیگری

مسئول اصلی حمایت از دانش آموز شود.

در کلاس و با حضور دانش آموزان دیگر، درباره آنچه برای دانش آموز مصیبت دیده اتفاق افتاده است صحبت کنید تا درک مشترکی ایجاد شود. به این ترتیب، او احساس می کند مجبور نیست به تنهایی با این درد کنار بیاید

دیدگاه‌های خود را در مورد اینکه چگونه می‌توان این کار را انجام داد و چه مواردی باید در نظر گرفته شوند، ارائه کردیم. برنامه‌های متفکرانه و مؤثر و همچنین پیگیری و کمک‌های مناسب مدرسه می‌تواند ظرفیت آموزش دانش‌آموز را ارتقا دهد و از خطرات رشد منفی، انزوا و ناراحتی بکاهد. کمک معلمانی که به کودکان غمگین توجه و از آن‌ها حمایت می‌کنند، می‌تواند اهمیت مادام‌العمر داشته باشد.

منابع

1. Dyregrov A, Dyregrov K., Lytje M. (2020), Loss in family- A reflection on how schools can support their students, Bereavement Care 39(3), 95-101, Routledge Publisher
2. Berg, L., Rostila, M., & Hjern, A. (2016). Parental death during childhood and depression in young adults – a national cohort study. Journal of Child Psychology and Psychiatry, 57(9), 1092–1098
3. Johansen, C., Christensen, J., Frederiksen, K., A., & Bistrup, P. E. (2018). Does losing a parent early influence the education you obtain? A nationwide cohort study in Denmark. Journal of Public Health, 41(2), 296–304
4. Lytje, M. (2018). Voices we forget – Danish students experience of returning to school following parental bereavement. OMEGA – Journal of Death and Dying, 78(1) 24–42
5. Dowdney, L. (2000). Annotation: Childhood bereavement following parental death. The Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines, 41(07), 819–830
6. Hamden, S., Mazariego, D., Melham, N. M., Porta, G., Walker, M. P., & Brent, D. (2012). Effect of parental bereavement on health risk behaviors in youth: A 3-year follow-up. Archives of Pediatrics & Adolescent Medicine, 166(3), 216–223
7. [Book]: Holland, J. (2001). Understanding children's experiences of parental bereavement. Jessica Kingsley Publishers
8. Lytje, M., The success of a planned bereavement response – A survey on teacher use of bereavement response plans when supporting grieving children in Danish schools Pastoral Care in Education, 35 (1), 28-38, Routledge Publisher
9. Currier, JM, Holland, JM & Neimeyer, RA (2007). The effectiveness of bereavement interventions with children: A meta-analytic review of controlled outcome research. Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 36, 253–259

● در صورت امکان، اگر دانش‌آموز تحت تأثیر غم و اندوه زیاد قرار گرفت، اجازه دهید از یک آزمون یا تکلیف معاف شود.

● بررسی کنید آیا در زمان امتحان حمایت ویژه‌ای برای دانش‌آموزان داغ‌دیده نیاز است؟

● اگر دانش‌آموز نوجوان است و به نظر می‌رسد دچار «خستگی از مدرسه» شده است، احتمال کارآموزی خارج از مدرسه یا چند روز مرخصی را بررسی کنید.

● هر گونه نیاز به حمایت عاطفی یا آموزش خصوصی را مدنظر قرار دهید.

تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی

همان‌طور که شخصیت، سن و سطح رشد کودک بر نوع حمایت‌های موردنیاز تأثیر می‌گذارند، تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی نیز در این باره مؤثرند. در حالی که غم و اندوه ممکن است یکسان باشد، اما می‌تواند به شکل‌های متفاوت نشان داده شود.

توصیه می‌کنیم در ملاقات با خانواده کودک سوگوار، از آن‌ها بپرسید آیا مراسم یا تشریفات خاصی وجود دارد که بتوانید درکی از باورهای خانواده به دست آورید؟ به این ترتیب، شاید مدرسه با انجام آن تشریفات بتواند همدردی خود را به کودک نشان دهد! وقتی کودک از شما می‌پرسد فکر می‌کنید متوفا کجا رفته است، غالباً به این دلیل است که می‌خواهد باورهای خود را بررسی کند. بنابراین، بهتر است به جای تحمیل نظرات خود، به کودک بگویید: «این سؤال خوبی است، خودت چه فکر می‌کنی؟»

برای حمایت درست باید شجاعت داشته باشید تا بفهمید کودکی دارد از غم و اندوهی عظیم رنج می‌برد. یافتن نقطه تعادل دشوار است، زیرا خانواده‌هایی هستند که خودشان از عهده حمایت از کودکان برمی‌آیند و نیاز یا تمایلی به دخالت ندارند. در چنین حالتی، ما کنار می‌کشیم و فرمان را به دست خانواده می‌سپاریم.

نتیجه‌گیری

حمایت از کودک در هنگام از دست‌دادن یک عزیز، کار چالش‌برانگیزی است. شما با کودکی روبه‌رو می‌شوید که یکی از مهم‌ترین افراد زندگی خود را از دست داده است. صحبت کردن با والدین و کودک در این باره و حمایت از آن‌ها کار دشواری است.

هم برای معلمان و هم برای مدرسه، حفظ این دیدگاه که دانش‌آموز داغ‌دیده به حمایت بلندمدت نیاز دارد، مهم است. در این مقاله





فلسفه‌ورزی در دنیای سوگ

گزارشی از کارگاه تربیت مربی فبک

«فلسفه برای کودکان» با محوریت «مرگ»

فاطمه اسدی امیری

معلم مدرسه هدی/ بابل



بحث آغازین

در ابتدا هیجان حلقه گفت‌وگو بالا بود و مربیان خود را حق به جانب می‌پنداشتند. مریم می‌گوید: «شادی و نشاط می‌تواند به کودک کمک کند از افسردگی و غم و اندوه ناشی از مرگ عزیزان دور شود. وقتی کودک در محیطی شاداب باشد، می‌تواند سریع‌تر با وضعیت جدید کنار بیاید و احساس بهتری داشته باشد.»

لیلا با طرح پرسشی تأمل برانگیز پاسخ می‌دهد: «اما آیا این روش نمی‌تواند احساسات واقعی کودک را نادیده بگیرد؟ کودک نیاز دارد احساساتش را به‌طور کامل تجربه کند تا بتواند به‌درستی با این تجربه کنار بیاید.»

مریم می‌گوید: «شادی می‌تواند به کودک کمک کند از احساسات منفی بکاهد. همچنین، ایجاد محیطی شاد ممکن است به کودک کمک کند به‌تدریج با واقعیت مرگ روبه‌رو شود.»

رضا که یک مربی باسابقه است، می‌گوید: «اما آیا این روش ممکن است باعث شود کودک به‌طور کامل احساسات خود را نادیده بگیرد و نتواند با واقعیت مرگ روبه‌رو شود؟ ممکن است که شاد کردن فوری او احساساتش را پنهان کند.»
آرزو می‌گوید: «من فکر می‌کنم ایجاد شادی و نشاط ممکن است به کودک کمک کند به‌تدریج با احساسات خود کنار بیاید. اگر هم‌زمان با شادی، فرصت پردازش احساسات

مرگ عزیزان و نحوه پردازش آن، از موضوعات بسیار حساس و پیچیده‌ای است که تأثیری عمیق و درازمدت بر زندگی فرد به‌ویژه کودکان دارد. کارگاه تربیت مربی فلسفه برای کودکان با حضور مربیان کانون پرورش فکری، به بررسی این موضوع پرداخته و سعی کرده با استفاده از روش‌های فلسفی، درک و رویکردهای مناسب به این مقوله را بررسی می‌کند. این روایت روند گفت‌وگو و تسهیلگری در این کارگاه را همراه با ابعاد گوناگون موضوع بررسی می‌کند.

شرح فعالیت

کارگاه با معرفی هدف و روش بحث آغاز شد. به‌عنوان تسهیلگر توضیح دادم: «امروز ما در مورد مرگ عزیزان و تأثیر آن بر کودکان صحبت خواهیم کرد. گزاره‌ای که به بحث خواهیم گذاشت این است: «به هنگام مرگ عزیزان دانش‌آموز باید با نشاط و روی باز فکر دانش‌آموز را از مرگ عزیزان منحرف و او را شاد کرد.» به دو گروه تقسیم می‌شوید. باید نظرات خود را در حمایت یا مخالفت با این گزاره، با حضور در جایگاه «موافقم» یا «مخالفم» بیان کنید. کسی که رأیش ممتنع است، می‌تواند در جایگاه «فعلاً نظری ندارم» مستقر شود. اگر کسی بخواهد نظرش را تغییر دهد، می‌تواند به بخش «می‌خواهم نظرم را عوض کنم» برود و دلایلش را توضیح بدهد.

فراهم شود، این می‌تواند مفید باشد.»

لیلا می‌گوید: «به نظر من، شادی فوری ممکن است کودک را از احساسات واقعی‌اش دور کند. باید به کودک فرصت داده شود تا بتواند احساسات خود را به‌طور کامل ابراز کند.»

پرسش‌های فلسفی تسهیلگر

در میانه بحث از مربیان می‌پرسیم: «اگر کودک نتواند به‌درستی احساساتش را پردازش کند، چه تأثیری بر سلامت روان او در آینده خواهد داشت؟ آیا ممکن است مشکلات عاطفی در آینده به وجود آیند؟»

آرزو می‌گوید: «کودکانی که احساساتشان به‌درستی پردازش نشده باشد، ممکن است در آینده با مشکلات عاطفی مواجه شوند. توجه به احساسات واقعی و حمایت از آن‌ها می‌تواند به جلوگیری از این مشکلات کمک کند.» می‌گوییم:

«آیا ممکن است شادکردن فوری کودک باعث شود او نتواند به‌طور کامل با واقعیت مرگ روبه‌رو شود؟ چگونه می‌توانیم به کودک کمک کنیم هم‌زمان با پذیرش واقعیت، احساساتش را نیز به‌درستی پردازش کند؟»

سعید می‌گوید: «شاید بهترین روش این باشد که به کودک اجازه دهیم احساساتش را تجربه کند و در عین حال از روش‌های حمایتی برای کاهش احساسات منفی استفاده کنیم. این کار می‌تواند به تعادل عاطفی کودک کمک کند.» می‌گوییم: «روی تعاملات اجتماعی کودک ممکن است چه تأثیری داشته باشد، اگر ما فقط روی شادی و نشاط تمرکز کنیم؟ آیا این تأثیرات ممکن است منفی باشد؟»

آیدا می‌گوید: «تمرکز فقط بر شادی ممکن است کودک را از تعاملات اجتماعی و ارتباطات عاطفی دور کند. کودک باید فرصت داشته باشد احساساتش را با دیگران به اشتراک بگذارد.»

می‌پرسیم: «آیا ممکن است برخی از کودکان به‌طور طبیعی با غم و اندوه سریع‌تر کنار بیایند؟ چگونه می‌توانیم رویکردهای متفاوت را برای پاسخ به انواع نیازهای کودکان تطبیق دهیم؟»

مریم که مربی خوش‌سابقه‌ای است می‌گوید: «بله، برخی کودکان ممکن است به‌طور طبیعی بهتر با غم کنار بیایند. برای این گروه ممکن است تمرکز بر شادی و نشاط مناسب‌تر باشد، در حالی که برای دیگران نیاز به توجه بیشتر به احساسات واقعی‌شان ضروری است.»

می‌پرسیم: «چگونه می‌توانیم برای کمک به کودکان در مواجهه با مرگ عزیزان، از ترکیب مؤثر شادی و پردازش احساسات استفاده کنیم؟»

رضا تجربه‌اش را به میدان می‌آورد: «استفاده از ترکیب شادی و پردازش احساسات می‌تواند به کودک کمک کند هم‌زمان با پذیرش واقعیت مرگ، از احساسات منفی بکاهد و از حمایت عاطفی بهره‌مند شود.»

می‌گوییم: «حالا به من بگوید در چه شرایطی ممکن است شادکردن فوری کودک برای او مفید باشد و در چه شرایطی ممکن است به تمرکز بیشتر روی احساسات واقعی او نیاز باشد؟»

لیلا می‌گوید: «اگر کودک در معرض محیط‌های شاد قرار گیرد و در عین حال فرصتی برای پردازش احساسات خود داشته باشد، ممکن است هر دو رویکرد مفید باشند. اما در شرایطی که کودک به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته باشد، توجه به احساسات واقعی او باید در اولویت قرار گیرد.»

تغییر نظر و بررسی دلایل

ناصر، که در ابتدا در گروه موافقان بود، به بخش «می‌خواهم نظرم را عوض کنم» می‌رود و می‌گوید: «در ابتدا فکر می‌کردم شادکردن فوری کودک مفید است، اما با توجه به بحث‌های امروز، به این نتیجه رسیدم که توجه به احساسات واقعی کودک و حمایت از او در پردازش این احساسات اهمیت بیشتری دارد. این رویکرد می‌تواند به کودک کمک کند به پذیرش بهتری دست یابد و با احساساتش بهتر کنار بیاید.»

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان کارگاه، به جمع‌بندی نظرها و پیشنهادهای پرداختیم. نتیجه این بود که بهترین رویکرد ممکن است ترکیبی از توجه به احساسات واقعی کودک و حمایت عاطفی باشد. در حالی که ایجاد محیط شاد می‌تواند در کوتاه‌مدت مفید باشد، توجه به احساسات کودک و کمک به او در پردازش این احساسات اهمیت بیشتری دارد. مربیان به این نتیجه رسیدند که در مواجهه با مرگ عزیزان، ترکیب روش‌های حمایتی و توجه به احساسات واقعی کودک می‌تواند به او کمک کند به سازگاری بهتری برسد.

به نظر می‌رسد این کارگاه به مربیان کمک کرد به درکی عمیق‌تر از نحوه مواجهه با احساسات کودک در زمان‌های حساس دست یابند و راهکارهایی مؤثر برای پشتیبانی از آن‌ها بیابند. این تجربه نشان داد، توجه به نیازهای عاطفی و استفاده از روش‌های حمایتی می‌تواند به فرایند سوگوارى کودکان کمک کند و در پذیرش و سازگاری با این تجربه‌های سخت به آن‌ها یاری رساند.



بهترین رویکرد ممکن است ترکیبی از توجه به احساسات واقعی کودک و حمایت عاطفی باشد. در حالی که ایجاد محیط شاد می‌تواند در کوتاه‌مدت مفید باشد



طالبان عافیت

چگونگی مواجهه درست با دانش آموز سوگوار

هانیه ملکی

دکترای مطالعات برنامه درسی

کند. البته در فضایی امن و آرام به او بیاموزند که با این غم چگونه کنار بیاید. نباید کاری کنیم دانش آموز احساس غمگینی خود را سرکوب کند، چون این احساس بعدها به صورت‌های دیگر، از جمله افسردگی، ظاهر می‌شود. اطرافیان باید در این حالت‌ها به شیوه طوفان مغزی اجازه بروز احساس را به دانش آموز بدهند و مانع او نشوند. بعد با آرام‌شدن تدریجی، از او بپرسند: چه چیزی و احیاناً چه کسی باعث می‌شود او قدری آرامش پیدا کند و بکوشند در راستای خواسته‌های او کاری انجام دهند.

۲. ارتباط با طبیعت و اجتماع را تقویت کنید

طبیعت و جامعه هر دو با وجود و سرشت انسان رابطه وثیقی دارند. به همین دلیل، در شرایط بحرانی نیز می‌توان از ارتباط با آن‌ها آرامش گرفت. بعد خاکی انسان، ارتباط با طبیعت و بعد فطری اجتماعی او ارتباط با اجتماع را به همراه دارد. این دو منبع آدمی را تنها نمی‌گذارند و موقع ازدست‌دادن عزیزان، از او حمایت می‌کنند. لذا مربیان و والدین می‌توانند فرصت‌های مناسبی برای حضور دانش‌آموزان در موقعیت‌های طبیعی یا اجتماعات آرامش‌بخش به وجود آورند. بدیهی است که انتخاب این موقعیت‌ها تا حدودی به شرایط خانوادگی و خویشاوندی نیاز دارد. بی‌تردید خویشاوندان در این عرصه می‌توانند احساس نقش‌آفرینی زیادی کنند. وقتی نوجوانی در اطراف خود افراد مهربان و صادق ببیند، بدون شک غم‌های او کاهش می‌یابند.

۳. دانش‌آموزان را با یادگیری مهارت‌ها توانمند کنید

این شیوه زمان‌بر است، ولی می‌تواند زمینه‌ساز قوی‌ای داشته باشد. علاوه بر بعد اقتصادی، آثار روانی و روحی زیادی نیز به دنبال دارد. بی‌تردید در لحظات و موقعیت‌های مرتبط و نزدیک به سوگ یا بحران نمی‌توان نکته‌ای به فرد آموخت، ولی در امتداد زندگی و در طول زمان، چنین

دانش‌آموز به‌عنوان یک انسان در موقعیت‌های گوناگون زندگی با شرایطی سخت و گاهی بحرانی مواجه می‌شود که برای گذار از آن یاری و حامی نیاز دارد. هر فرد در سنی ممکن است به دلیل ازدست‌دادن یکی از نزدیکان یا به خاطر مواجه‌شدن با شرایط سخت اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و غیره، به تنگنای روانی و روحی مبتلا شود.

بی‌تردید شرایط سنی فرد در این میان تعیین‌کننده است و در مهار هیجان‌ها و نوسان‌های عاطفی به‌عنوان یک عامل مؤثر قابل‌اعتناست. فرد میان‌سال و بزرگ‌سال که در جاده زندگی فراز و نشیب‌هایی را سپری کرده است و به‌احتمال مصائبی را تجربه کرده است، با سهولت بیشتری از بحران‌ها و از جمله سوگ عزیزانش عبور می‌کند، لکن دانش‌آموزی در سن کودکی یا نوجوانی که در دنیای عواطف و احساس شناور است، چنین فرصت و امکانی را ندارد.

در حمایت دانش‌آموز و یاری به او، در مواجهه با بحرانی از جمله نبود یکی از عزیزان، اطرافیان، به‌خصوص مربیان و والدینی که به او نزدیک‌ترند، نقش و سهم بیشتری دارند. در شرایط ویژه روحی و روانی که گاهی نیز به حالت انفجار می‌رسد، چگونه باید با دانش‌آموز برخورد کرد؟

این یکی از پرسش‌های مهم تربیتی است که فهم و تحلیل آن بر هر یک از اطرافیان او یک فرض انسانی و تربیتی است. در این خصوص روش‌هایی پیشنهاد می‌شوند:

۱. فرصت‌هایی برای خودآگاهی و تأمل ایجاد کنید

لحظات بحرانی روحی‌روانی، به‌خصوص در سوگ یکی از نزدیکان، به‌احتمال زیاد برای نوجوان وضع درونی ویژه‌ای ایجاد می‌کند و او ممکن است احساس کند همه‌چیز را از دست داده است. در این حالت، اطرافیان نباید دانش‌آموز را به انجام حالتی مجبور کنند که خودشان می‌پسندند. باید اجازه دهند تجربه غم‌انگیز خود را به طریق ممکن ابراز



نباید کاری کنیم دانش‌آموز احساس غمگینی خود را سرکوب کند، چون این احساس بعدها به صورت‌های دیگر، از جمله افسردگی، ظاهر می‌شود



کارگشاست. اینجاست که باید بحران‌ها را در امتداد زمان و در ارتباط با کل زندگی تحلیل کرد و فهمید. این نقطه است که بار دیگر عظمت «تربیت» را به رخ همه عرصه‌های دیگر زندگی می‌کشد و با زبان بی‌صدا می‌گوید ای طالبان عافیت، عاقبت‌اندیش باشید!

نتیجه‌گیری

سختی‌ها و آسانی‌ها، غم‌ها، شادی‌ها، فرازاها و نشیب‌ها در مجموع در واقعیت‌هایی چندلایه زندگی انسانی را احاطه کرده‌اند. در این میان، آنانی که به دلیل پایین بودن سن یا کمبود تجربه توانایی مواجهه با مصائب را ندارند، آزار بیشتری می‌بینند. دانش‌آموزان قشر معصوم و ظرفی هستند که در مواجهه با بحران‌ها، از جمله از دست دادن یکی از نزدیکانشان، به حمایت نیاز دارند؛ حمایتی که اگر با تدبیر اطرافیان عامل همراه باشد، اثر التیام‌بخشی زیادی خواهد داشت.

شیوه‌هایی که طرح شد، پیشنهادهایی برآمده از تأملات نگارنده بود. بی‌تردید علاقه‌مندان و کاوشگران این مرحله، روش‌ها و راهکارهای دیگری ارائه خواهند داد که در مواجهه دانش‌آموزان با سوگ و بحران‌ها یاری‌رسان باشند.

لازم است در پایان این نکته فوق‌العاده مهم یادآوری شود که میزان تحمل سختی‌ها در زندگی، با نوع نگرش انسان به کائنات و هستی رابطه دارد. تردید نباید کرد، انسان «معاندانیش» ظرفیت روحی بالایی دارد که می‌تواند کوهی از مصائب را تحمل کند و با اطمینان به خدای متعال از آن عبور کند. در مقابل، انسان «دنیاپرست» در مقابل سختی‌ها آسیب‌پذیر است و مانند دیواری سست بنیان فرو می‌ریزد. لذا مربیان و والدین ابتدا باید نقش تربیتی خود را به‌درستی ایفا کنند تا از میزان آهی که در برابر سختی‌ها می‌کشند، کاهش یابد.

فردی به توانمندی محتاج است. با انجام پروژه می‌توان هم به تغذیه جسم یاری رساند و هم روح آسیب‌دیده را تا حدود زیادی ترمیم کرد. گنجاندن فعالیت‌های یادگیری و مهارت‌آموزی در برنامه‌های درسی یا فعالیت‌های تربیتی و همچنین آفرینش فرصت‌ها و موقعیت‌های امیدآفرین می‌تواند در این زمینه مفید باشند.

۴. لحظاتی برای حالت غرقگی ایجاد کنید

غرقگی به غرق شدن و غوطه‌ور شدن در کار گفته می‌شود. اصطلاحی روان‌شناسی است که کاربرد خاصی دارد. برای دانش‌آموز مصیبت‌دیده می‌توان از مهارت «غرقگی آفرینی» استفاده کرد. این مهارت از سوی یکی از اطرافیان اعمال می‌شود، لکن آثار آن در وجود فرد ظاهر می‌شود و با موقعیت‌های خطرپذیر متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوان رابطه مستقیم دارد.

نوجوانان معمولاً خطرپذیری بالایی دارند. مربیان می‌توانند آن‌ها را در موقعیتی قرار دهند که موقعیتی ویژه را تجربه کنند. همین موقعیت به دلیل تحریک علاقه‌ها و هیجان‌ها او را غوطه‌ور می‌کند، طوری که غم‌هایش را فراموش کند یا حداقل کاهش دهد. ناگفته نماند، این مهارت باید در خود بزرگسالان اطراف دانش‌آموز حاصل باشد تا بتوانند ایفای نقش کنند.

۵. برای دانش‌آموزان الگوی مراقبت از خود باشید

در اینجا از کردار حرف می‌زنیم. اینکه مربی، مادر، پدر و سایر نزدیکان تا چه حدودی بتوانند در التیام‌بخشی به روح و روان کودک یا نوجوان مؤثر باشند، به عملکرد و شایستگی الگویی آنان بستگی دارد. گاهی مادری مقاوم، عاقل و صبور، در طول زمان، در دختر نوجوانش شاکله‌ای آفریده است که همان شاکله در لحظه بحرانی برای او



بررسی حقوقی مرگ دانش آموزان

محمدرضا جعفرزاده نجار

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)



مقدمه

موضوع «ایمنی و سلامت دانش آموزان در مدرسه» یکی از مهم ترین دغدغه های اجتماعی و حقوقی جامعه های گوناگون است. مدارس به عنوان نهادهایی که وظیفه تربیت و آموزش نسل آینده را بر عهده دارند، نه تنها باید محیطی مناسب برای آموزش فراهم کنند، بلکه از نظر ایمنی نیز باید به دقت محیط مدرسه را برای دانش آموزان آماده کنند. موضوع ایمنی مدرسه در آیین نامه اجرایی مدارس که در چهل و یکمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۱۰ به تصویب رسیده است نیز آمده است. در ماده ۶ (اصول حاکم بر مدارس) آیین نامه مذکور آمده است که مدرسه باید با مناسب سازی و ایمن سازی فضاهای آموزشی، تربیتی، ورزشی، بهداشتی، امکانات و تجهیزات و پیش بینی اقدامات پیشگیرانه، محیطی سالم، شاداب و با نشاط و ایمن برای تعلیم و تربیت دانش آموزان فراهم آورد. هر گونه تقصیر در این زمینه، به ویژه در مواردی که منجر به آسیب یا حتی مرگ دانش آموزان شود، ابعاد حقوقی جدی به همراه دارد.

از این رو، بررسی مسئولیت های قانونی مدارس و مدیران در قبال مرگ دانش آموزان، اهمیت بالایی دارد. در این گزارش ابعاد حقوقی موضوع بررسی شده است.

مسئولیت مدنی و کیفری مدرسه

در بررسی حقوقی مرگ دانش آموزان باید به دو بخش مسئولیت مدنی و کیفری توجه کرد. در مدارسی که به صورت هیئت امنایی اداره می شوند، مدیران مدارس و هیئت امنا، به عنوان مقام مسئول در قبال جان و سلامت دانش آموزان، در صورت تقصیر ممکن است مسئول شناخته شوند.

● **مسئولیت مدنی:** از نظر حقوق مدنی، اگر مرگ دانش آموز به دلیل تقصیر یا کوتاهی کارکنان مدرسه، مانند رعایت نکردن استانداردهای ایمنی یا نظارت ناکافی رخ دهد، خانواده متوفی می تواند درخواست غرامت کند. در این حالت، مدرسه مسئول جبران خسارت وارده است. اصل «ضمان قهری» در حقوق اسلامی و بسیاری از قوانین مدنی مطرح است که در آن هر فرد یا نهادی

که در اثر عمل خود یا عدم رعایت وظایف قانونی، باعث رسیدن ضرر به دیگران شود، باید خسارت را جبران کند. همان طور که اشاره شد، طبق آیین نامه ذکر شده، یکی از وظایف مدارس، تأمین ایمنی دانش آموزان و رعایت موارد ایمنی در محیط مدرسه است. در صورت رعایت نشدن این موارد، اگر تقصیر از جانب مدیر مدرسه باشد، باید در قبال خانواده دانش آموزان پاسخگو باشد. لکن اگر حادثه بر اثر تقصیر کارکنان مدرسه و مدیر نباشد و بر اثر بی احتیاطی دانش آموز حادثه ای رخ دهد، مدیر در برابر اولیای دانش آموز مسئولیتی ندارد.

● **مسئولیت کیفری:** در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری در مواردی که مرگ دانش آموز از خطا یا سهل انگاری رخ دهد، تحت عنوان قتل شبه عمد بررسی می شود. طبق ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، «هرگاه قتل غیر عمد ناشی از بی احتیاطی، بی مبالائی یا عدم مهارت در انجام وظایف حرفه ای یا در نتیجه تخلف از

اگر حادثه بر اثر تقصیر کارکنان مدرسه و مدیر نباشد و بر اثر بی احتیاطی دانش آموز حادثه ای رخ دهد، مدیر در برابر اولیای دانش آموز مسئولیتی ندارد



نظامات دولتی باشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم، محکوم خواهد شد.»

بنابراین، در صورتی که کارکنان مدرسه در نگهداری از دانش‌آموزان کوتاهی کنند و این امر به مرگ منجر شود، مشمول این ماده خواهند شد. با توجه به آیین‌نامه اجرایی مدارس، یکی از وظایف مدارس ایمن‌سازی فضای مدارس است که در صورت رعایت نکردن موارد ایمنی، که از وظایف مدیران مدارس است، در صورت بروز حادثه، مدیر مدرسه مسئولیت کیفری نیز دارد.

قوانین و مقررات مرتبط

برای بررسی قوانین و مقررات مرتبط با مسئولیت مدارس در قبال مرگ دانش‌آموزان، می‌توان به آیین‌نامه‌ها و قوانین خاصی که به ایمنی و نظارت بر مدارس پرداخته‌اند، استناد کرد:

- آیین‌نامه اجرایی مدارس: این آیین‌نامه که وزارت آموزش و پرورش آن را تهیه کرده است، بر لزوم رعایت استانداردهای ایمنی در فضای فیزیکی مدرسه تأکید دارد. مدارس موظف‌اند محیط‌های ایمنی برای دانش‌آموزان فراهم کنند و هرگونه کوتاهی در این زمینه می‌تواند موجب مسئولیت مدنی و کیفری شود. طبق این آیین‌نامه، مدیران مدارس مسئول نظارت بر سلامت و ایمنی دانش‌آموزان در ساعت مدرسه و هنگام فعالیت‌های جانبی مانند اردوهای آموزشی و ورزشی هستند. برای مثال، اگر دانش‌آموزی در حین یک مسابقه ورزشی در مدرسه دچار حادثه شود و جان خود را از دست بدهد، اگر در بررسی‌ها مشخص شود تجهیزات ورزشی مدرسه نقص فنی داشته‌اند و استانداردهای ایمنی رعایت نشده‌اند، با توجه به آیین‌نامه اجرایی مدارس که ایمن‌سازی فضای مدرسه برای فعالیت‌های ورزشی را یکی از وظایف مدیر مدرسه دانسته است، مدیر مدرسه مسئول شناخته می‌شود. همچنین، با استناد به ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه مدرسه و مدیر آن را، به دلیل سهل‌انگاری و تقصیر در نظارت ناکافی بر تجهیزات، مسئول می‌شناسد.

- ماده ۹۱ قانون کار: این ماده اگرچه به‌طور خاص به مدارس نمی‌پردازد، اما تمامی کارفرمایان و نهادها را موظف می‌کند برای کارکنان و افراد تحت نظر خود محیطی ایمن فراهم کنند. در این راستا، مدارس به‌عنوان نهادهایی عمومی، مسئول تأمین ایمنی محیط تحصیلی و جلوگیری از بروز هرگونه حادثه یا خطر برای دانش‌آموزان هستند.

- پیمان‌نامه حقوق کودک^۱: طبق ماده ۱۹ پیمان‌نامه

حقوق کودک، که ایران نیز به آن پیوسته است، دولت‌ها موظف‌اند برای جلوگیری از رسیدن هرگونه آسیب جسمی و روانی به کودکان، از جمله در محیط‌های آموزشی، اقداماتی اتخاذ کنند. این تعهد بین‌المللی به‌عنوان مبنای قانونی الزام دولت‌ها و نهادهای آموزشی به حفظ امنیت دانش‌آموزان در مدرسه محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

ابعاد حقوقی مرگ دانش‌آموزان در مدرسه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئولیت‌هایی مدنی و کیفری که بر عهده کارکنان مدرسه و مدیران آن قرار دارند، نشان می‌دهند مدارس باید تمام تلاش خود را برای فراهم کردن محیطی ایمن و مطمئن به کارگیرند. در صورتی که بروز حادثه به دلیل تقصیر مدیر مدرسه و کارکنان اجرایی باشد، مدیر و کارکنان مسئول مرگ دانش‌آموز خواهند بود، ولی اگر کارکنان اجرایی و مدیر مدرسه تمام وظایف مربوط به خود را به‌درستی انجام داده باشند و تمام جوانب ایمنی، با توجه به آیین‌نامه اجرایی مدارس رعایت شده باشند، دیگر مسئولیتی در قبال اولیای دانش‌آموزان ندارند. از آنجا که هرگونه سهل‌انگاری یا تقصیر در رعایت استانداردهای ایمنی ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد، تقویت نظارت‌ها، آموزش کارکنان مدرسه و اصلاح قوانین و مقررات می‌تواند از بروز چنین حوادث ناگواری بکاهد.

پی‌نوشت

1. CRC



سوگواری و غم از دست دادن

روایت‌نگاری تأملی از کارگاه فلسفه برای کودکان

سید میثم موسوی
تصویرگر

سید محمد نوروزیان امیری
دکترای مدیریت آموزشی / تسهیلگر فلسفه برای کودکان



مرگ و سوگواری از اساسی‌ترین تجربه‌های انسانی هستند که در عین تلخی و دشواری، زمینه‌ای برای تأمل عمیق در معنا و ارزش زندگی فراهم می‌آورند. این پدیده‌ها که بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست انسانی هستند، به‌خصوص در دوران کودکی و نوجوانی، که شخصیت و جهان‌بینی افراد در حال شکل‌گیری است، به توجه و پردازش در ذهن و دل انسان نیاز دارند. آموزش و تربیت در مورد مرگ و سوگواری می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند با پذیرش این واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر، به درک عمیق‌تری از زندگی برسند و توانایی مقابله با احساسات پیچیده‌ای همچون غم، اندوه و ترس را در خود پرورش دهند. این نوع آموزش نه تنها دانش‌آموزان را در برابر بحران‌های زندگی مقاوم‌تر می‌کند، بلکه به معلمان و والدین نیز امکان می‌دهد در این فرایند نقشی فعال و حمایتی ایفا کنند. معلمان با آگاهی از اهمیت تربیتی موضوع تفکر درباره مرگ، می‌توانند فضایی ایجاد کنند که در آن بدون ترس و با صداقت درباره احساساتشان صحبت کنند. والدین نیز با همراهی و حمایت از این فرایند، می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند احساساتشان را به شکلی سالم‌تر بیان کنند و با غم از دست دادن عزیزان کنار بیایند. در این راستا، کارگاه‌های «فلسفه برای کودکان» (فبک) با پرداختن به موضوعات حساس و بنیادینی چون مرگ و سوگواری، در تربیت حکیمانه دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این روایت، یک جلسه از کارگاه فبک با موضوع «سوگواری و غم از دست دادن عزیزان» برای دانش‌آموزان پایه‌های ششم و هفتم به نحوی تأملی گزارش شده است. در این جلسه، ۱۵ دانش‌آموز به همراه یک تسهیلگر (نویسنده) حضور دارند و در فضایی آزاد و صمیمی، درباره تجربه‌ها و احساس خود در مواجهه با مرگ و از دست دادن عزیزان گفت‌وگو می‌کنند.

معلمان با آگاهی از اهمیت تربیتی موضوع تفکر درباره مرگ، می‌توانند فضایی ایجاد کنند که دانش‌آموزان در آن بدون ترس و با صداقت درباره احساساتشان صحبت کنند



آغاز روایت

روز چهارشنبه که کارگاه فلسفه برای کودکان (فبک) را برگزار می‌کردیم، موضوعی انتخاب شد که هم حساس بود و هم مهم: «سوگواری و غم از دست دادن عزیزان». در این جلسه، ۱۵ دانش‌آموز پسر از پایه‌های ششم و هفتم حضور داشتند. قرار بود در محیطی دوستانه و صمیمی، درباره این موضوع که بسیاری از آن‌ها تجربه‌اش را داشتند، صحبت کنیم. هدف این بود که به آن‌ها کمک کنم با این احساسات عمیق روبه‌رو شوند و به درکی بهتر از تجربه‌های خود برسند.

آغاز گفت‌وگو

جلسه را با معرفی کوتاهی از موضوع شروع کردم. از بچه‌ها خواستم تجربه‌ها و احساسشان را به اشتراک بگذارند. با یک سؤال ساده شروع کردم: «کی از شما تا حالا عزیزی رو از دست داده؟ چه احساسی داشتین؟»

بعد از چند لحظه سکوت، محمدرضا دستش را بالا برد و با کمی تردید گفت: «من وقتی بابایزگم فوت کرد، خیلی ناراحت شدم. اولش اصلاً باورم نمی‌شد... فکر می‌کردم همیشه زنده می‌مونه.»

لبخندی زدم و گفتم: «خیلی خوبه که تونستی این تجربه‌ات رو با ما در میون بذاری. بقیه چی؟ شماها هم تجربه‌ای شبیه به این داشتین؟»

علیرضا که تا آن لحظه ساکت بود، حرف محمدرضا را ادامه داد: «منم وقتی مامان بزرگم فوت کرد، یه جوری دلم شکست... هی به یاد خاطراتی که باهاش داشتم می‌افتادم و گریه می‌کردم.»

مهدی که معمولاً خیلی حرف نمی‌زد، بالاخره دهن باز کرد و گفت: «منم وقتی عموم مرد، از خونه فرار کردم. نمی‌خواستم کسی رو ببینم یا کسی باهام حرف بزنه... حتی نمی‌خواستم باور کنم که رفته.»

با شنیدن این حرف‌ها، حس کردم باید بحث را عمیق‌تر کنم. پرسیدم: «به نظرتون چرا وقتی کسی رو از دست می‌دیم، این قدر دلمون می‌گیره؟ این یعنی پایان همه چیزه؟»

هدایت به تفکر فلسفی

آرش که معمولاً در بحث‌ها جلو می‌افتاد، گفت: «شاید چون می‌ترسیم دیگه هیچ وقت اونا رو نبینیم، یا شاید چون نمی‌دونیم بعد از مرگ چی می‌شه، دلمون می‌گیره.»

یکی دیگر از بچه‌ها، به نام رضا، اضافه کرد: «مامانم همیشه می‌گه روح آدم‌ها زنده می‌مونه... ولی من نمی‌دونم واقعاً این یعنی چی؟!»

ایجاد فضای گفت و گو بسیار مهم است تا دانش آموزان بتوانند آزادانه در حلقه گفت و گو تأمل و نظرشان را ابراز کنند. با این توصیف، موضوعات حساس و مهمی همچون مرگ و از دست دادن عزیزان هم پاسخ خواهند گرفت و در عین حال تربیتی خواهند شد

این صحبت‌ها جرقه‌ای بود برای ورود به بحثی فلسفی تر. گفتم: «فکر می‌کنید اگر روح زنده بمونه، مرگ دقیقاً چیه؟ و چرا باید برای کسی که از این دنیا رفته، گریه کنیم؟»

کاوش در معنا

پارسا که معمولاً در بحث‌ها کمتر حرف می‌زد، با صدایی آرام گفت: «شاید مرگ یه مرحله جدیدیه... مثل وقتی که از یه کلاس به کلاس دیگه می‌ریم. ما عادت داریم به این دنیا و وقتی کسی می‌ره، دل کندن سخته.» پویان که انگار چیزی در دلش مانده بود، گفت: «به نظرم گریه و سوگواری واسه اینکه ما احساساتمون رو بیرون بریزیم، اگه غم رو تو دلمون نگه داریم، بیشتر اذیت می‌شیم.» با شنیدن این حرف‌ها، تصمیم گرفتم بیشتر به مفهوم سوگواری بپردازیم. گفتم: «سوگواری یعنی چی؟ یعنی اینکه ما هنوز به اون آدم‌ها اهمیت می‌دیم؟ یعنی رابطه‌مون تموم شده؟»

تعمق در موضوع

علی با صدایی محکم گفت: «نه، به نظرم سوگواری یعنی هنوز یادشون با ما هست... هر وقت به یادشون می‌افتیم، حس می‌کنیم که هنوز باهامون.» با این گفته علی، لبخندی زدم و گفتم: «شاید سوگواری راهیه برای اینکه نشون بدیم ما هنوز اون آدم‌ها رو دوست داریم. به نظرتون سوگواری راهیه برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌شون؟»

بحث بیشتر در مورد فلسفه مرگ و زندگی

مهدی این بار با شور بیشتری گفت: «شاید مرگ پایان نیست... شاید یه شروع دیگه باشه. اگه اینطوری بهش فکر کنیم، سوگواری یه جور احترام گذاشتنه به اونایی که رفتن.» سپس آرش با لحنی متفکرانه اضافه کرد: «شاید مرگ یه جور راهه... یه راه که از این دنیا به یه دنیای دیگه می‌ره. ما از اینجا به بعد رو نمی‌بینیم، واسه همین می‌ترسیم.» با شنیدن این حرف‌ها، بحث رو به سمت پذیرش و درک بهتر هدایت کردم. گفتم: «اگه اینطوری باشه، پس سوگواری یه راهه برای کنار اومدن با این واقعیت. شماها چی فکر می‌کنید؟ چطور می‌تونیم با غم از دست دادن کنار بیایم؟» بحث به همین منوال ادامه پیدا کرد و با

استقبال و خواست بچه‌ها تا ۴۵ دقیقه ادامه یافت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گفتم: «خب دیگه بچه‌ها... خیلی حرف زدیم... حالا وقتشه که از حس و حالمون بگیم و از درس‌هایی که از این گفت و گو یاد گرفتیم...»

آرش گفت: «صحبت کردن با بقیه خیلی کمک می‌کنه. وقتی با کسی حرف می‌زنیم که اونم تجربه مشابهی داره، حس می‌کنیم تنها نیستیم.»

امیر که تا اون لحظه ساکت بود، بالاخره حرفی زد که خیلی تأثیر گذار بود: «من یه بار واسه بابایزرگم نامه نوشتم... نامه رو گذاشتم زیر بالش و حس کردم که هنوز پیشمه.» در پایان جلسه، از دانش آموزان خواستم به تجربه‌ها و احساسات خودشان فکر کنند. گفتم: «گاهی وقتا سوگواری و یادآوری عزیزان، یه راهه برای حفظ ارتباط با اونا. شاید این همون چیزیه که به ما کمک می‌کنه غم و اندوه رو بهتر تحمل کنیم.»

این کارگاه به من یادآوری کرد که ایجاد فضای گفت و گو بسیار مهم است تا دانش آموزان بتوانند آزادانه در حلقه گفت و گو تأمل و نظرشان را ابراز کنند. با این توصیف، موضوعات حساس و مهمی همچون مرگ و از دست دادن عزیزان هم پاسخ خواهند گرفت و در عین حال تربیتی خواهند شد. در این حلقه، دانش آموزان نه تنها توانستند درباره سوگواری حرف بزنند، بلکه به نظر می‌رسد به درکی عمیق‌تر از معنای زندگی و مرگ رسیدند.



یاری به بزرگسالان برای رویارویی با مرگ عزیزان

نویسنده: احمدی شیرازی، مریم ◀ ناشر: مادران (وابسته به مؤسسه مادران امروز)

◀ ۷۴ صفحه ▶ چاپ اول: ۱۴۰۱

مؤلف در این نوشتار می‌خواهد مخاطب را راهنمایی کند چطور باید با سوگ و فقدان کنار بیاید و اگر دوست یا عضوی از خانواده دچار سوگ شد، چطور بر زخمش مرهم بگذارد. مؤلف اشاره می‌کند، سوگ می‌تواند سلامت جسمی و روحی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. تعامل با فرد سوگوار ممکن است دله‌ره‌آور باشد، چون ما تمایل داریم از اندوه او بکاهیم، اما گاهی رفتار و گفتارمان بر غم او می‌افزاید. فرد پس از مواجهه با مرگ عزیزان، شاید انواع احساسات سخت و غیرمنتظره مثل شوک، عصبانیت، ناباوری، گناه، غم و اندوه عمیق و درد را تجربه کند. ممکن است این سوگ سلامت جسمی او را مختل کند و خوابیدن، غذا خوردن یا حتی درست فکر کردن هم برایش سخت شود. این‌ها همه واکنش‌های طبیعی به فقدان و مرگ عزیزان هستند. هر چه فرد از دست‌رفته عزیزتر و مهم‌تر باشد، اندوه نیز شدیدتر خواهد بود.

مؤلف در این کتاب رهنمودهایی را برای کنار آمدن با مرگ عزیزان مطرح می‌کند و ضمن بررسی شرایط سخت فرد در زمان از دست‌دادن عضوی نزدیک، مراحل و شرایط کنار آمدن و رویارویی با مرگ را به بزرگسالان یادآور می‌شود.



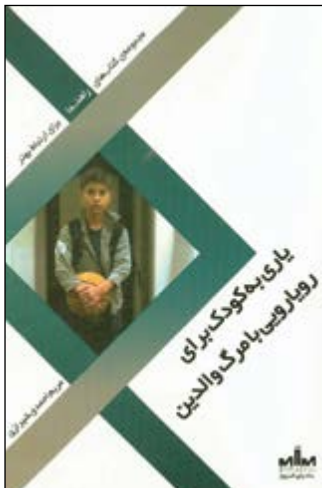
یاری به کودک برای رویارویی با مرگ والدین

نویسنده: احمدی شیرازی، مریم ◀ ناشر: مادران (وابسته به مؤسسه مادران امروز)

◀ ۶۴ صفحه ▶ چاپ اول: ۱۳۹۶

کودکان و نوجوانان غم و اندوه خود را به روش‌های متفاوتی ابراز می‌کنند و هر یک بسته به سن و سال و میزان درک خود با مرگ والدین کنار می‌آیند. با این حال، رفتار اطرافیان و استفاده از برخی راهبردها می‌تواند از تلخی این دوران بکاهد و تا جای ممکن از سلامت روح و روان بچه‌ها محافظت کند. کمک به کودک برای کنار آمدن با مرگ پدر یا مادر، مستلزم آشنایی کافی با روحیه، نحوه برخورد و نگاه او به موضوع فقدان والدین است. تعداد بسیار کمی از کودکان می‌توانند درباره ناراحتی و رنجشان صحبت کنند. این در حالی است که بسیاری از آن‌ها اصلاً قادر نیستند ابعاد ناراحتی‌شان را تشخیص دهند و راجع به آن حرف بزنند. بعضی از آن‌ها، بسته به سنشان، ممکن است فقط برای مدت کوتاهی غمگین باشند. تعداد دیگری از کودکان ممکن است درد و غمشان را به اصطلاح در خودشان بریزند و به صورت مشکلات جسمانی، مانند سردردهای مکرر یا ناراحتی معده نشان دهند. گروه دیگری هم ممکن است تمرکزشان را از دست بدهند و در زمینه‌های تحصیلی و ورزشی دچار مشکل شوند.

کتاب حاضر حاوی رهنمودهایی است که با به کار بستن آن‌ها می‌توان به کودکی که پدر یا مادر خود را از دست داده است، کمک کرد. این رهنمودها را با اندکی تغییر می‌توان در مورد کمک به کودکانی که دچار هر نوع فقدان شده‌اند، از جمله از دست‌دادن خواهر و برادر یا مادربزرگ و پدربزرگ، و خلاصه عزیزان دیگر، به کار بست.





فراخوان

سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از عکاسان و تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می‌آورد. این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می‌کند با نگاه خلاقانه خود، براساس موضوعات جشنواره، لحظاتی به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش دریچه‌ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار هنرمندانه شما، غنابخش جشنواره خواهد بود.

■ محورهای این دوره از جشنواره، بر فضا سازی مدرسه‌های امروزی، روش‌های نوین آموزشی و نیازهای تصویری مجلات رشد، کتاب‌های درسی و عموم منابع آموزشی و تربیتی تمرکز ویژه دارند.

عکاسان و تصویرگران می‌توانند در دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال:

(الف) عکاسان و تصویرگران حرفه‌ای؛ (ب) معلمان و مربیان.

۲. هنرمندان دانش آموز: دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره:

معلمان و مربیانی که در سمت‌های اداری آموزش و پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می‌شوند.

موضوعات جشنواره در هر گروه سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:
۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

(الف) موقعیت‌های متنوع تربیتی (مناسبت‌ها، انواع مراسم، اردوها و جشن‌ها)؛

(ب) اتفاقات و رخداد های جالب مدرسه.

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛

ب) مسجد و خانواده؛

ج) مدرسه، مسجد و خانواده

۳. کتاب درسی

محورها؛ باز آفرینی تصویری:

الف) قصه‌ها، شعرها و...؛

ب) فعالیت‌های علمی؛

ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت‌های ملی و دینی، محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین‌های قومی و منطقه‌ای و...).

نکته:

رویکرد جشنواره، استفاده مناسب

از آثار برگزیده در تکمیل بسته‌های تربیت و یادگیری (کتاب درسی، مجلات رشد، تولیدات چند رسانه‌ای و... است).

۴. بخش جنبی

۱. شعار سال (جوش تولید با مشارکت مردم).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب‌های درسی: تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (زائر) های عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیر مستقیم با کتاب درسی ارتباط داشته باشند.